

جنگ تضادهای درون هیأت حاکمه

با بنای سرکدانش شب و
 یاب و هیجانات روزهای اول
 جنگ بدرج تنادهای درون
 هیأت حاکمه که در روزهای قبیل
 ارتحک به اوج خود رسیده و در راه
 واصل جنگ در ظاهرفروکش کرده
 بود دوباره آشکار شده و حسی
 شدت میسند و ایستادگی است
 حکمی و جنم انداز جنگ زمینه
 اصلی سرور از این اختلافات گشته
 اند ... شروع جنگ
 و از سر قدرت سروری هوایی
 لبرالها که از زمان استبدادی
 در ام سیاست تفویض ارتش را
 نخواستند نمودند و جدا شدند
 و دست به گفیات وسیعی برد
 امون امنیت و ارزش ارتش
 برای منفکت زدند. آنان سر
 کار ما معنم شمرده و سعی کردند
 تا با اشاعده آرا این "فرصت
 طلایی" دوباره دست مندان تهدید
 و مواقع آرد دست برآید دست
 آورند.
 بقیه در صفحه ۲



کارگران جهان متحد شوید!

۱۸ صفحه

رزمندگان

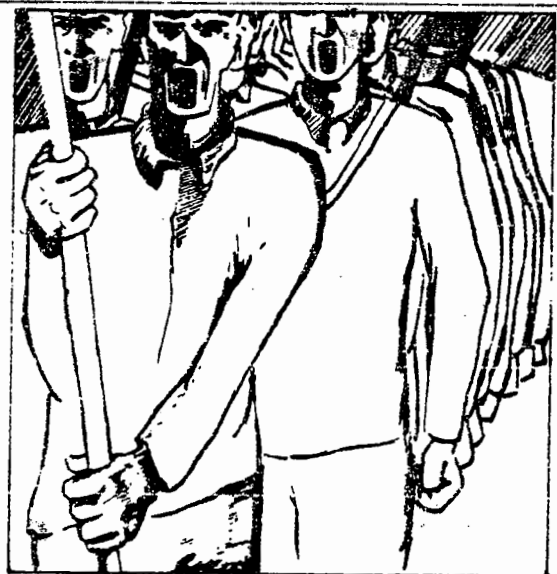
ارگان سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر

کمونیست ها هرگز به مردم دروغ نمی گویند
 کمونیست ها هرگز به صاحبان قدرت تکیه نمی کنند
 کمونیست ها فقط به قدرت طبقه کارگر و سایر
 رزمندگان و روشنفکران انقلابی متکی هستند
 (۷۷۷ شماره ۱۱۱)

سال اول - دوشنبه ۲۸ مهر ۵۹ - با ضمیمه ۳۵ - ۳۵

«سازماندهی انقلابی مقاومت توده‌ای» یک معیار

خسارات و تلفاتی که هر روز بیشتر
 جنگ برجا می آید و مردمی بدینجا رسیده
 است. در همین مدت یکماه کذا از آغاز سورش
 گسترده رژیم عراق میگذرد چندین بالایشکاف
 دهها کارخانه و صد ها تاسیسات بزرگ و کوچک
 تولیدی و اقتصادی درهم کوبیده شده است.
 هزاران خانه ویران شده و هزاران نفر
 بهلاکت رسیده. معرّوح و پها اسیر گشته اند.
 مسلماً هر جنگ خسارات و تلفاتی دارد
 و مردمی که برای دفع تجاوز میبایستیم
 ارتجاع منطقه و صد انقلابیون مردوری اختیار
 و اویسی و ... برمیگزینند بهای آنرا بگ
 همانا گذشت از جان و مال خویش است میبیر.
 ملزمت است اما میزان تلفات و خساراتی که
 از هر جنگ عاید شده ها از حمتش یک جا مع
 میگردد مستقیماً با تدارک و تدبیر آن نیرو
 بقیه در صفحه ۲



اخبار جنگ ۴

جسراسناد مشهور از پیش خواستنیست
 خلع سلاح مردم است؟ در صفحه ۳

در صفحات دیگر بخوانید

تعمیرات و تعمیرات

تعمیرات و تعمیرات
 تعمیرات و تعمیرات
 تعمیرات و تعمیرات

تعمیرات و تعمیرات
 تعمیرات و تعمیرات
 تعمیرات و تعمیرات

تعمیرات و تعمیرات
 تعمیرات و تعمیرات
 تعمیرات و تعمیرات

علوشود
سبب خیر
اگر
خدا خواهد

آری ما معتقدیم که تا به آخر با
 آمریکا "تخاصم" داریم آری ما معتقدیم
 که تمام سرمایه داری را تا به آخر
 تخریب می کنیم. و از این نظر لبرالها و
 آقای بازرگان کاملاً مخالف ما هستند
 چون ایشان نه با اولی "تخاصم" دارند
 و نه خواهان "تخریب" دویس اند.
 در صفحه ۵

چرا مقاومت؟
چرا خراج؟

از همان ابتدای تهاجم
 عراق به ایران و شروع حملات
 ارتش عراق بسه شهرهای
 غرب و جنوب کشور با مداران.
 ارتش ایران و ارتش عراق متوجه
 شتروری سومی در میدان جنگ
 شدند که در بسیاری مواقع
 بقیه در صفحه ۱۶

رزمندگان

جنگ

جنگ به آن نرسمی دادا ما را در کبریا همسخت
 خصم و لبروم حفظ نظم و احضا
 ط تا کید و وریده و بدسوسله
 بر تمام تلافیهای خاشانه خود
 در حفظ روابط و نظام آرا مهری
 در ارتش و بار گذاشتن دست
 عوامل رژیم گذشته سرپیچی کذب
 ارتد در این میان سنی صدر
 تلاش میکرد تا با درد دست گرفتن
 فرما ندهی جنگ در دست خویش و
 تطهیر ارتش و فرماندهان مزد
 و آن هر چه بیشتر نقش ارتش را
 در جنگ با عراق برجسته کرده و
 با تبلیغ بیرامون آن سر
 معوذ خود را جا معه و در آن افزوده
 و نوده ها راه حمایت از آن و
 دارد. مثلاً ورین با اصطلاح مبار
 کسیت لیسرا لیا یعنی رویز
 یونیت های خاش حرب رنجبر
 ان سیر در این تا ربار و مددکار
 وی بودند. آسولیا طرح سئوالاتی
 از قبیل "اکرارش نبود" و "بسا
 "اکرارش منحل شده بود" و "نو
 شتن مغالاتی در این باب به
 تسلیم بیرامون نقش ارتش و
 اهست آن در جنگ میردا خنند
 و بدینوسله خدمات خودیسه
 بورژوازی ادا نمیدادند. ر
 مقابل خرده بورژوازی حاکم که
 در ابتدای جنگ چاره ای جز
 توسل به ارتش و نظام میان ندا
 شت پس از گذشت چند روز در صدد
 اتخاذ تدابیری جهت جلوگیری
 از قدرت باسی ارتش و بورژوا
 ری افتاد. خرده بورژوازی حاکم
 که بقول رفسنجانی قبل از جنگ
 احساس امنیت نمیکرد تا کهبان
 خود را با وضعیت جدیدی روبرو
 میدید. از یکطرف سبور و
 اشیا نوده ها در مقابل با
 نجا و عراق و تحریک روحیه
 سپی برستی آنان. با یک طرف
 های آنان را توسعه میبخشید و
 از سوی دیگر بورژوازی در صدد
 بود تا این نورو اشیا را ادا
 من رده و بخدمت خود کبرد. آرکا
 ن ها و نهادهای خرده بورژوازی

ار حمله سبیا با ساداران، کمسه
 ها و مسج غلبت کلاک بود
 جنگ نمسوا سمدنشن مونسپی
 داسه ما سندا و این خود خطر در
 ت باسی ارتش را امرون مسا
 حت. با سمدنبری اسخا ذمتند
 و در غیر اسصورت اوسماع ار
 کنترل و بدر میا مد. خرده بورژ
 وازی از ابتدای جنگ تسلان
 کرده بود تا با تبلیغات وسیع
 بیرامون نقش ارگانهای
 قدرت خود در جنگ، تا فرستادن
 سعی روحانیون به جبهه و جاب
 عکس آنها در لیا س نظامی و با
 اعزام دسته جات طلاب علوم
 دینی و غیره نقش خویش را بر
 جسته نماید اما با نندت گرفتن
 جنگ و افزایش هر چه بیشتر
 نقش نیروهای متخصص نظامی
 در آن دیگر این تشیبات کافی
 نبود و چاره دیگری لازم میا مد.

را ندارد. جنگ بحران اقتصادی
 را نندت بخشیده است و ادا مه آن
 مسوا نند آن را به عطفه انفجار
 برساند. اثرات زیاننا را ایس
 جنگ خاسما نوسر برزندگی
 نوده های مردم و کتتبا روخانه
 خرابی که سار میا و در ادا مه
 خود به نارضایتی نوده ها هر چه
 بیشتر ندمن خواهد نود و این خود
 زنگ خطری برای سیستم سرمایه
 داری وابسته و پمار رژیم نانو
 ان جمهوری ابلامی است. بعلاوه
 در اثر این جنگ ارتش از محبوب
 بیت بیشتری برخوردار گردید
 و این خود بر قدرت بورژوازی
 افزوده است. بنا بر این سنی
 صدرا بصیرت بر این اوسماع
 آشفته خواستار آنست که جنگ با
 عقب نشینی نیروهای عراق به
 مرزها پایان یابد. او نکه
 در دشمنی با نیروهای

● جنگ بحران اقتصادی را شدت بخشیده است و ادا مه آن میتواند آن راه نقطه انفجار برساند. اثرات زیاننا را این جنگ خاشما نوسر برزندگی نوده های مردم و کتتبا روخانه خرابی که بسیار وارد در ادا مه خود به نارضایتی نوده ها هر چه بیشتر ندمن خواهد زد و این خود زنگ خطری برای سیستم سرمایه داری وابسته و پمار رژیم نانو است.

سدها لحاظ بود که ابتدا در مجلس
 عنوان فرما ندهی کل قوا برای
 بسی صدرا ز جانب بعضی از نما
 یندگان حزب جمهوری اسلامی
 بزرگسئوال رفت اما افکار
 عمومی برای طرح این مسئله و
 پیشبرد آن چندان مناسب نبود
 و سهمین علت این تدبیر چاره
 نکرد. سپس طرح شورای عالی
 دفاع بمیان آمد و خرده بورژوا
 زی سعی نمود تا همونی خود را
 در فرما ندهی و ادا ره جنگ
 افعال نماید و در این امر نیز
 تا حدی موفق گردید. اما این
 امر نوسبه خود سرتفاده های
 دوجناح دامن زده است. اکنون
 تفاد دوجناح خود را در سیاست
 جنگی و ادا ره آن نشان میدهد.
 سنی صدرخوب میدانده که اقتما د
 از هم پاشیده سرمایه داری
 بران ناب تحمل جنگی طولانی

انقلابی و کمونیست از خرده بو
 رژوازی حاکم چیری کم نندار دبا
 دورنگری و زبرگی بورژوازی
 بخوبی در نافته است که ادا مه
 جنگ چه عواقب خطرناکی از نظر
 رشد نیروهای انقلابی برای
 بورژوازی خواهد داشت. خرده
 بورژوازی حاکم در مقابل میگو
 شد تا ما نند همیشه برای حفظ
 قدرت خویش به نوده های متوهم
 مردم متوسل گردد و آنان را و
 شقه حفظ قدرت خویش قرار دهد
 این دوجناح در عین حفظ تفا
 دهای خویش هر دو در ترس از تو
 ده ها و سوا استفاد از احساسات
 آنان اشتراک نظر دارند. خرده
 بورژوازی حاکم همواره سعی
 نموده است تا با بمرصه کشیدن
 نوده های متوهم و گرفتن عنا
 ن آنان بدست خویش سدی محکم
 در مقابل قدرت باسی بورژوا

زی بریا نماید. اینک اینس
 جناح تلاش می نماید تا با تاکید
 بر لبروم ادا مه جنگ تا سرتکو
 نی "صدام کاهر" و وارد عرصه
 شدن نوده ها، تفویض موضع لیسر
 الیا و ارتش در طول جنگ را
 خنثی نماید. جنگ در صورتیکه
 بسرعت با یان یاباید ز نظر قا
 بت درون بلوک حاکم نتیجه ای
 جز تقویت موضع لیسرا لیا و ارتش
 و سنی صدر بزبان خرده بورژوازی
 نخواهد داشت و خرده بورژوازی
 برای خنثی کردن این جنبه
 ادا مه جنگ را دنبال میکنند
 این مطلب باعث گشته که بعضی
 جناحهای حزب بر روی ادا مه
 جنگ با فشاری نماید و حسی
 برای ترساندن بورژوازی شعار
 تسلیم نوده ها، شعاری که
 خود بیش از همه از سعمل در آمدن
 واقعی آن وحشت دار نندار با
 میان کنند.

گرچه ادا مه جنگ موجب
 سی خانمسی، اعلان و فقر هر چه
 بیشتر بساری از نوده ها میگردد
 و به نایبودی وسیع نیروهای
 تولیدی کشور منجر خواهد نود و
 این لحاظ با پدیدگرا بشه های
 توسعه طلبانه موجود در رژیم و
 سیاست "مدور انقلاب اسلامی"
 در مورد جنگ مغالفت نمسود
 و گرچه بورژوازی در پی سر
 چیدن شوشه خود از جنگ کوتاه
 مدت و بسنن با ر خود بزبان خرده
 بورژوازی و تسلط هر چه بیشتر
 بر ما شین سرکوب انقلاب در آن
 میباشد، اما شکی نیست که تو
 دهی شدن جنگ و فلاکت ناشی از
 آن بتا نسیل عظیمی در مبارزه
 طبقاتی بر علیه سرمایه داری
 وابسته بوجود خواهد آورد. و این
 نتیجه بی است که علیرغم تفاد
 دوجناح حکومت دامن سرد و
 را خوا هد گرفت. و درست همین
 جنبه قضیه است که مورد غفلت
 برخی از نیروهای کمونیست
 قرار گرفته. و بر اساس این تو
 ده ها ارزیابی غلط از
 جنگ از شرکت در آن خودداری
 میکنند. و با جنگی دفاعی
 در برابر ترس و عراق و نوظنه
 های امپریالیسم مغالفت
 مینمایند.

هر چه مستحکم تر باد همبستگی کارگران و زحمتکشان ایران و عراق!

سازماندهی

بقیما صفحه ۱

بی که استکار عمل جنگ را در آن جا معاهده داده، مربوط میگردد.

رژیم جمهوری اسلامی در طول قریب به ۲۰ ماه حکومت خود، نسبی را صرف مماشات با امپریالیسم و راه کردن نیروهای وابسته به آن برای تجدید سازمان و حیات سیاسی و اقتصادی نظام سرما به داری وابسته نمود. بهاد میا و رژیم دوران دولت موقت آقای بازرگان را که در آن امیرانتظام ها مدنی ها، محققین ها و تزیبه ها چه جاه و مقامی داشتند، دورانی که مذاکره با امپریالیسم، تضمین حقوق آنها، دعوت از سرما به داری آن فراری و اعطای وام به آنها، آزاد نمودن ساواکی ها و ناز کشیدن از فرماندهان ارتش برجسته ترین خصوصیت آن را تشکیل میداد. طبیعاً در این مدت جمهوری اسلامی نه تنها بفکر تدارک دفاع از مردم در مقابل توطئه های بی نظیر جنگ اخیر نبود، بلکه کاملاً برعکس هیچ دلیلی برای این توطئه ها نمی یافت. و البته حق هم داشت زیرا با سیاستی که در پیش گرفته بود دلیلی هم برای چنین توطئه ها بی نبود.

نیمی دیگر از عمر حکومت جمهوری اسلامی، بکه از اشغال سفارت تا کنون بوده است به موضع گیری های متزلزلانگه و عمدتاً تبلیغاتی با امپریالیسم آنهم به علت فشار توده ها و تجدید توهم انسان گذشته است. موضع گیری هایی که حتی گاه ابتکار عمل آن بدست افرادی نظیر قطب زاده "مافتا" و همواره در اس مدت از یک طرف راه داخل مذاکره پس دادن کروگانها و اتخاذ یک سیاست خارجی "نیای الحقیسی و از طرف دیگر حرص و طمع خرده بورژوازیی در چاند زدن ها، شرط قیمت قائل شدن ها و لجاج و لجبازی کردن ها در کشاکش با یکدیگر بودند. طبیعی است که در این نیمه دوم و سالن کشاکش ها هم ندرت تدارکی برای مقابله با توطئه های بی نظیر جنگ اخیر دیده نشد. اما در تمام این مدت ۲۰ ماه حکومت جمهوری اسلامی یک سیاست بطوریکه در سال ندر و زبور برای تری آن تدبیر و تدارک بیشتری در نظر گرفته و فعال نیست برای آن توسعه یافت: سیاست سرکوب میا رزات توده های که بتدریج از آبروه، توهم نسبت به حکومت خارج میشدند، در کردستان، در ترکمن صحرا، علیه جنبشهای کارگری در کارخانجات مختلف، در مقابل جنبشهای دهقانی سرعلسه مالکین در روستاها و.....

انقلاب اداری و انقلاب فرهنگی نیز در زیر نام بر طمطرازی خود هر کدام بزودی هدف اصلی را بر ملا کردند، تعطیل دانشگاهها برای پراکنده کردن دانشجویان انقلاب

بی و اخراج عناصر آگما و سایر مخالفین رژیم از موسسات و ادارات مختلف، مبارزه "مکتبی" جمهوری اسلامی با مخالفین به کمک دارو دسته های حزب اللهی مجهز به چاقو پنجه بکس و بمحاربت نیروهای مسلح شهری (کمیته ها و پاسداران) پیش میرفت این چنین بود سیاستی که رژیم سران بهنگیزانه عمل میکرد.

ناکامی جمهوری اسلامی در بر طرف نمودن خطر انقلاب از ایران که علی رغم تمام تلاشهای آن در رشد و توسعه فعالیت و مهرا نیروی کمی و کیفی انقلابیون مشهود بود، بوم چنین وضعیت خود این رژیم که در آن، کشاکش دائمی بر سر قدرت و انتخاب راه عملیهای مختلف در جریان بود و بلاخره این واقعیت که جناح خرده بورژوازیی مذهبی با تمام آرزوهای خارجی و داخلی اش (صدر انقلاب اسلامی و جامعه مکتبی) قدرت را قبضه کرده بود، امپریالیسم و وابستگان به آن را روز بروز در طرح و تدارک و اجرای توطئه ها جورتر و محول تر ساخت.

طرح ما برای طیس و طرح کودتای ۱۸ تیر در فاصله یکماهه و نیم از یکدیگر انجام گرفت و هر کدام به علتی شکست خورد اما هیچکدام رژیم جمهوری اسلامی را از مرط مستقیم که در جدال بر سر قدرت در سال و سرکسو تحریک و تبلیغ ارتجاعی در پاشین دسیال میکرد منحرف ننمود!

پس از شکست کودتای ۱۸ تیر (که آنهم تا حدود زیادی به برکت اطلاعات و هندار جریانات سیاسی به حکومت و هشاری توده مردم صورت گرفت) دیگر واضح بود که امپریالیسم آمریکا چاره ای جز انتخاب روشی بی نظیر حمایت و سپهر برداری از جنگ ایران و عراق ندارد. نیروی نظامی ضد انقلابیون فراری در مرزها و نیروهای وابسته به آمریکا در داخل (خانها و شبکه های سیاسی وابسته و...) تنها برای اجرای طرحهایی توام با اشغال مناطقی از ایران، کودتا و امثالهم بسج شد.

اما حتی در این ۲ ماهه و نیم که از زمان کودتای ۱۸ تیر تا شروع گسترده جنگ میگرد جمهوری اسلامی کاری جز پراختن بهمان سیاست بیکیرد عوادر بالا و سرکوب و تحریک و فریب در پاشین نداشت. آناتجا که تنها چند روز قبل از گسترش این تجاوز کار عوادر بالا تا حد دور متوا برعلیه یکدیگر کشید (سخنرانی ۱۷ شهریور بنی صدر و جواب حزب جمهوری اسلامی) و در پاشین

همچنان شعار "مرگ بر منافقین با آرم مجاهدین" ترویج میشد. او اعزام قشون و لشکر پاسداران و ارتش به کردستان و راه انداختن دستجات مزدوران حزب اللهی برای بهره کردن کتابها و نشریات و ضرب و جرح میا رزین برقرار بود.

درست به این خاطر است که جنگ اخیر این چنین خسارات و تلفاتی را بدسیال دارد. خسارانی که جمهوری اسلامی آنها را "مادیات قابل جبران" و تلفاتی که آنها را "قیض شهادت" میدانند. و البته واقعیت اینست که اینها بهای تاجا و عمرانی و حامیان امپریالیست آن ود رعین حال بهای سیاست های ضد انقلابی جمهوری اسلامی است!

در جوامعی که بدسیال پیروزی انقلاب در سرنگونی رژیم ضد انقلابی (نظیر رژیم شاه) یک حکومت انقلابی استقرار یافته است (نه حکومتی مرتجع نظیر جمهوری اسلامی) حکومتهای انقلابی تمام نیروی خود را در دفاع از انقلاب و سازماندهی و هدایت مردم در این راه قرار داده اند. دفاعی که تدارک و تداوم برای مقابله با هرگونه توطئه نظیر کودتا و جنگ را در نظر میگیرد. زیرا هیچ تردیدی ندر ما هیت انقلابی نبود. و نه در ما هیت ضد انقلابی امپریالیسم توده ر د و نیز نه تنها از آگما های و تشکل و تبلیغ توده ها هر اسی ندارد، بلکه تنها و تنها بقته آن متکی است!

در روسیه بلافاصله پس از انقلاب اکثر ارتش توده ای سرخ کارگران و دهقانان به سرکوب دستجات ضد انقلابی موسوم به کار دسیفید پرداخت. میا رزه ای که بیست و یکسال بطول انجام میدو در آن با توطئه های حکومت های امپریالیستی و مرتجع هما به اتحاد شوروی، در حمایت از ضد انقلابیون دست بگریبان بود. تکیه حکومت شوروی به شورا های کارگران، دهقانان و سربازان و قاطعیت در سرکوب این توطئه ها که تنها ما با سازماندهی و تبلیغ توده ها صورت میگرفت حکومت انقلابی شوروی را تشبیهت نمود.

حزب کمونیست اتحاد شوروی در اوایل دهه ۱۹۳۰ پیش بینی بروز جنگ میان کشورهای امپریالیستی را نمود و به توده های زحمتکش، احزاب کمونیست و انقلابی تمام جهان در مقابل این خطر هشدار داد و آنها را به آمادگی جهت مبارزه با فاشیسم دعوت نمود. تداوم بیروتادارک عظیم

زنده باد مقاومت انقلابی توده ها بر علیه تجاوز عراق و امپریالیسم!

از کشورهای تحت اشغال را موجب گشت
حکومت انقلابی شوروی در ایمن
جنگ خاسا نوزده قیمت جان بیست از
۲۰ میلیون نفر سوسالیم رانجات داد و
جهانی ساخت. اما این بهای عظیم در اثر
بیش بینی، تدارک و تدبیر حزب کمونیست
و فعالیت نوده های زحمتکش شوروی بسیار
کمتر از آن بود که ایما دجا وز الممان و
و حنیگری ارتش هینتری قعدآراد است!
درویتنام حکومت انقلابی در شمال
کشور بلافاصله بعد از کسب قدرت از زیر سلطه
اشغالگران فرانسوی برای آزاد نمسودن
جنوب ویتنام که هنوز در اشغال نیروهای
آمریکا و تحت حاکمیت ضد انقلابیون وابسته
به آن بود. یاده گشت، در تمام طول جنگ
نوده های زحمتکش شمال و جنوب ویتنام با
امپریالیسم آمریکا و نوکران وابسته
به آن، میلیونها تن بمب بمناطق شمال
و جنوب ویتنام ریخته شد.

حکومت انقلابی ویتنام در شمال
کشور با تاسس کار خانجات زیرزمینی،
با ایجاد دینا هگاها، با ایجاد شبکه عظیم
دفاع ضد هوایی در روستاها و شهرها به کمک
دستجات کوچک نوده های که سلاح سبک
و سنگین مجهز بودند، و با اداره یک اقتصاد
برنا مریزی نده برای تامین نیازهای
جنگ، خسارات و تلفات مبارزه با امپریالیسم
لینیم را به حداقل رساند. سازماندهی
و آمادگی نوده های ویتنامی در شمال کشور
در مقابل بمبارانهای دانشی امپریالیسم
لینیم آمریکا، اعجاب جهان را برمیآورد.
انگیزت، ۱۵ سال جنگ با امپریالیسم آمریکا
برای حمایت از نهفت آزادی بخش در جنوب
ویتنام، عاقبت کمرا امپریالیسم در هسم
شکست و آسرا با خفت و غواری از خاک ویتنام
بیرون راند. آری این چنین است سیاست
و تدبیر و تدارک حکومتهای انقلابی.

المنه جمهوری اسلامی نیز ۲۰ ماهه حکومت
مت خود را به بطالت نگذرانده است! او در
تمام این مدت مشغول رقابت در بالا و سر-
کوب انقلاب بوده است! امروز از نوده های
مردم بی دفاع، سازمانها فته و بلاتکلیف
شهرهای جنگ زده میخواهد که در زیر بمبارانها
نهادش توپخانه دشمن به امید لطف آسمان
نی باقی بمانند، همچون معمول در سرکار-
ها حاضر باشند، از انقلابیون و کمونیستها
سپهر سرد و آنها را به حکومت معرفی کنند!
و مطابق معمول برای اجرای تمام اسمن
سعاها را نوده ها تهدید به اخراج از ادار-
ات در صورت غمیت، تهدید به همکاری با
مداخلات "سومس" به "استکبار" از رسان
معا ما جمهوری اسلامی، بطرح جعلی و جا-
سه ای و سنی صدر جاری است!

فاجعه دردناک زلزله شهر العنصام
در الجزایر را، به خلق الجزایر تسلیست
میگوئیم و ایمان داریم خلقی که مزدوران
فرانسوی را طی نبردی قهرمانانه و کسم
نظیر از خاک خود رانده است، با وحدت و یکپا
رچی خود بر عواقب این حادثه که بیست
از همه بر کارگران و زحمتکشان الجزایر
وارد شده، فائق خواهد آمد.

چراستاد مشترک ارتش خواستار خلع سلاح مردم است؟
برای جنگ با عراق نیاز دارد؟
و با میخواهد در این شرایط که ارتش
محیطیتی کسب کرده مقصود همینست
خود را عملی سازد و مردم را خلع سلاح کند؟

اطلاعیه شماره ۱۷۹ ستاد مشترک ارتش
ارتش از مردم خواست تجهیزات نظامی
تصرف شده از پادگانها را تحویل دهند
به حالی - موزان -
عریز در روزهای شگومند
انقلاب و همزمان با اسلام
هستگرا این امر در ضرورت
پای مردم پرسوز انقلابی
میجان یادگامهای نظامی
کشیده شد.
مالا بسیاری از ایوان نظامی
و جنگ افزار و دیگر تجهیزات
سماپراتی ارتش بدست مردم
ببازر افتاده اینک در چنین
لحظات حساس و بی نوبت ساز
کشور از آن همه از موطنشان
عزیزی که سر نوب و وایل و

در شرایطی که ارتش عراق قسمتی از
خاک کشورمان را اشغال کرده است.
در شرایطی که تنها مردم صلح و قهرمان
شهرهای جنوبی و غربی کشورمان
میتوانند به حفاظت از سرزمین خویش بپردازند.
چراستاد مشترک ارتش خواستار خلع
سلاح مردم است؟
هنگامیکه ادعا میشود لوزم بدکسی
فاسنوم ها و تانک ها بمقدار زیادی در
انبارها موجود است! آیا ارتش به سه-
احتیاج پیدا کرده است؟
هنگامیکه حکومت ادعا میکند که
خواهان صلح نمودن نوده هاست!
چراستاد مشترک ارتش خواستار خلع
سلاح مردم است؟
آیا واقعا ارتش به سه-
های مردم

ارتش سرخ به دفع حملات مبهردا خت کسار
عظیم انتقال نوده های مردم کارخانجات
و انبوه تولید محصولات از مناطق در خطر
اشغال به پشت جبهه آغاز گشت. در شهرهای
این مناطق عده ای از مردم به علاوه ما موربین
سازماندهی نهفت مقامت جهت حفاظت
از خانه ها و اموال عمومی و مبارزه با رتیز-
انی باقی میمانندند.
جنگ ارتش سرخ با ارتش الممان
هینتری که در سرد عظیم و با نکهه است-
لینگراد به شکست فاسیم انحا میدهمراه
مبارزات پارتیزانی نوده ها در پشت جبهه
دشمن پیروزی حکومت شوروی، اخراج قس-
نیستها از خاک شوروی و بیرون راندن آنها

سازماندهی...
اقتصادی و نظامی سیاسی حکومت شوروی بر
ای دفاع از جان و مال نوده ها از مدتها
قبل از جنگ آغاز شده و پنهانها
ندهی امداد، غذا و سرغذایی، تجهیزات
نظامی و تمام تدارک لازم برای این
مقصد فراهم گشت. حکومت شوروی
پس از شروع جنگ و حمله فاشیستهای
آلمان به لهستان، تمام سیاستهای
بتمویق انداختن تسخار و فاشیستی آلمان
را بکار برد و خود را هر چه بیشتر آماده ساخت.
با شروع تسخار و آلمان هینتری در حالیکه

بسیج مسلح نوده ها، ضامن ادامه انقلاب!

بقیما صفحه ۱

عدو شود سبب خیر اگر خدا خواهد؟

جنگ و تکلیف حکومت جمهوری اسلامی بر ارتش و قدرت بخشیدن به آن زمینه‌ای شده است تا لیبراها، این جناح مغلوب حکومت که بی‌طاعت و رشور از فزون مبارزه، طبقاً تسی همواره مغلوب بوده‌ها بوده‌اند، از نوسو زمینه‌ها برای قدرت گیری بیشتر و اثبات ادعای خود انقلابی خود، مساعیدتیا بسند. جناح خرد بورژوازی جمهوری اسلامی نیز علیرغم تضاد با لیبراها، از آنجا که همواره از زنده‌ها و انقلاب بیشترتیا بسند و جنبش دارد، چاره‌ای نمی‌بینند جز آنکه راه را برایش هموار کنند. در این میان روزیانه میزان و همه‌کاره‌اش آقای بازرگان که نماینده لیبراها، مغلوب بود و به‌شدتشان کاملاً پیش توده‌ها رفته‌است، با معاصیبه‌های بی دربی و سرمقاله‌های روزانه خود به اثبات سیاست‌های خود انقلابی و کاملاً به کام دولت موقت دست زده و به جناح دیگر حکومت اثبات میکند که چگونه سیاست‌های کاملاً به کام و سازندگی‌های آنها را بنهود و مورد طعن و غضب قرار داده و نشان میدهد که چگونه و حجت از زنده‌ها، آنان را نیز به همان راهی می‌کند که او دیگر لیبراها بیموده و با میبماند!

آقای بازرگان در مباحثه‌ای با میزبان یکی از اختلافات خود را با "جریان‌های حاکم" این نکته میدانده که با لایحه "انقلاب ما و جمهوری اسلامی" ما با بیدار اسلامی با شنیده اندک اسلام را سه‌ه و وسیله‌ای برای انقلاب و اجرای برنامه‌های مارکسیستی بنماید.

اما نتایج این بود که چه کسانی در حکومت برنامه‌های مارکسیستی را اجرا میکنند؟ مجلس شورایی اسلامی؟ کمیته انقلاب اسلامی؟ یا دولت مارکسیستی آقای رحایی (با اینکه در این او اخیر معجزه‌ای رخ داده و آیت‌الله خمینی مارکسیست شده‌است؟) یا لایحه پس از مدت‌ها فکرو چندی با روحانندن مقاله‌ی ایشان مسئله دستگیرمانند، کویا قصد ایشان این بوده که چون سیاست دولت بر "تخاصم" و "تخریب" متکی است و چون برنامه مبارزه کسیت‌ها هم "تخاصم" و "تخریب" است، پس سیاست دولت، سیاستی مارکسیستی است. حال سبب اینست که آقای بازرگان این نماینده را تپیس لیسرا لیبها پس از هفتاد و اندی که از عمرشان میگذرد و مطالبات کافی و وافیه در مقامت چسپن سوسری از سر تا به مارکسیستی به حواله شده حوسرا را نه منده و حال تیرا که آفید و

شما من، دارنده‌ها که تولدیک ترا ز با پشود و با پرا متهم به تقویت برنامه‌های مارکسیستی مینماید. در اینجا دو سئوال مطرح میشود که چرا آقای بازرگان از یکسو میخواهد بخواهند "خوب" مارکسیسم را چنین القانماید؟ و از سوی دیگر چرا حکومت را به گرایش بسوی مارکسیسم متهم میکند؟ آقای بازرگان میگوید:

"در ابتدا، تشکیل دولت موقت، گروه‌های چپ و تندروهای انقلابی ساکار شکنی و نفاق افکنی، بعضی با تشکیل شوراهای ساختگی، اتهام، افشاگری فتنه و فساد را تحویل گروه‌های ناخالص و ناپخته دادند و هر دم آتش تضاد و تفریب را که از ریشه‌های مارکسیسم است به سبب‌های تداوم انقلاب، محو استعمار و

● اگر کارگران و کمونیستها میگویند کارگران باید شورای واقعی داشته باشند و امور کارخانه را به عهده بگیرند. آقای بازرگان میگوید این نظریه "تخاصم" است! این شورا عملاً کاری جز خصومت ورزی با کارفرما و دولت نخواهد داشت. اگر بگویند "دهقانان باید شورای واقعی خوش‌راد داشته باشند" این تخاصم است "تخاصم" با مالکان حامی آنها یعنی دولت.

با کسری، درد لیبها نعل و رود رسیده‌ها منگترده ساختند. (میزان - ش ۲۵) آنچه که در نقل قول بالا آمده برود، شتی نشان میدهد که منظور وی از "تخاصم" و "تخریب" چیست. آنچه که از نظر ایشان جامعه را به "تخاصم" میکشاند، همان شورا‌های ساختگی است. ولی این شوراها که از نظر ایشان ساختگی است، این شورا‌هایی که در ابتدای دولت ایشان موجود آمدند، مگر از همان مردمی که میلیون میلیون به خیانتان‌ها می‌آمدند و نظرها ت میکردند نبود؟ این شوراها مگر حفاظت از محلات را در روزهای فیام در دست نداشتند؟ پس چرا آقای بازرگان آنها را ساختگی و عاملاً "تخاصم" مینماید؟ جواب را باید در تفاوت بین خواستهای همس شورا‌های با اصطلاح ساختگی و اعمال آقای بازرگان حسوسو این شوراها از مردمی سکل شده‌بود که حال نشان در زیر حنای "سهاهی" به لیب رسیده‌بود. مردمی که هیچگاه مفسی در دولت و اداره مملکت نداشتند. مردمی که نتواند

نسته بودند و خواستهای خویش را حتی یکبار فقط مطرح سازند. آنها میخواستند پس از سرنگون کردن شاه خود قدرت را بدست گیرند. به همین جهت شورا‌های خاص خویش را بوجود آوردند. همان شورا‌هایی که آقای بازرگان آنها را شورا‌های ساختگی مینامد. آنها این شوراها را بوجود آوردند تا حاکمیت خویش را اعمال کنند. ولی آنچه آقای بازرگان میخواست این نبود و میخواست تا آنجا که ممکن است اوضاع به حال سابق خویش باقی بماند. او میخواست ارتش دست نخورده باقی بماند و با کمترین لطمه را ببیند. چون برای روزهای مبادا برای "خودی نشان دادن در ترکمن محراب کردستان" لازم بود ولی ارتش نیز از این بلای خانمانسوزا بمن نبود. در آنجا نیز شورا‌های جهشی بوجود آمده بود و آن ارتش مقتدر را از هم میپاشاندهند.

"ارتش ما چنان از هم گسیختند، بی انضباط، بی نفع، بی روحیه بود که حالت مفروضه نزدیک مرده را داشت. گروه‌های چپ و انقلابی‌های افراطی آنرا ارتش امپریالیستی محکوم به اشهاد میدانستند. مردم تشنه تلامی گذشت بودند... فقط دولت موقت بود که هم پیش بینی نیازمندیهای نزدیک تدبیر کشور بوجود ارتش محبر، سفسط، مومن را بسمود و هم امیدواری و اعتقاد به توبه و تمایل برای انقلاب در صفوف آسار را داشت. (میزان شماره ۲۵)

اینست ریشه، آنچه نغز از "تخاصم" و "تضاد" کمونیست‌ها ارتش امپریالیستی را با آن سازقاندگی‌اش، با آن شیوه تریبیتش، با آن تجهیزات ارتش امپریالیستی مینا میدند. و با آن "تخاصم" مبورز-بدند. ولی آقای بازرگان در آرزوی سرایت انقلاب به آیت‌توبه‌ای اوست. مردم تشنه، تلامی گذشته بودند و با ارتش "تخاصم" داشتند ولی آقای بازرگان بفکر "وحدت" است. برای روزهای مبادا! کدام روز؟ روزی که باید در کردستان خودی نشان داد و مروحین "تخاصم" و "تضاد" را در هم کوبید. و اگر کارگران و کمونیست‌ها میگویند "کارگران باید شورای واقعی داشته باشند، و امور کارخانه را به عهده بگیرند" آقای بازرگان میگوید این نظریه "تخاصم" است! این شورا عملاً کاری جز خصومت ورزی با کارفرما و دولت نخواهد داشت. اگر بگویند "دهقانان باید شورای واقعی خویش را داشته باشند، این "تخاصم" است. "تخاصم" با مالکان حامی آنها یعنی دولت. به این ترتیب روش مینود که چگونه آقای بازرگان

سما می ساد جوس را در پس کلمات "تحاصم" و "تضاد" و "تخریب" پنهان ساخته است . ولی اگر شوراها ساعت بیروز "تحاصم" منخود، افتناگری "تخریب" میکنند، آیا آقای بازگان مخالف افتناگری است؟ نماقای بازگان مخالف افتناگری نیست وی مخالف افتناگریهای "تخریبی" است . همانگونه که مخالف شورا نیست بلکه مخالف شوراها "تحاصمی" است . مثلاً اگر آقای بازگان برای اصلاح وضع مملکت "کبی" یا برزیلکی میزند، در این مورد نباید دست به افتناگری "تخریبی" زد، و یا اگر اسادجا سوسی امیران نظام رومی شود، نباید آنرا بر ملا ساخت . چون این شیوه شیوه است تخریبی . اگر فرماندهان ارتش گناه صغیره ای (!) مرتکب شده اند نباید آنرا بیگناه کمیزه ای تبدیل کرد، و یا لآخره اگر آمریکا روزی به ما اجابنی کرده است ، نباید آنرا آنقدر بزرگ کرده که امر بر او "مشتببه" شود که "واقعا دشمن است" بنا بر این چون کمونیست ها میگویند باید شوراها ی واقعی ایجاد کرد، چون کمونیست ها میگویند باید تمام می قرار دادها افشا شود، آنها "تحاصم" دارند، "تخریبی" میکنند .

آری ما معتقدیم که تا به آخر با آمریکا "تحاصم" داریم . آری ما معتقدیم که نظام سرمایه داری را تا به آخر "تخریب" میکنیم و از این نظر لیبرالها بازگان کاملاً مخالف ما هستند . چون ایشان تنها اولسی تحاصم دارند و نه خواهان "تخریب" دومی اند .

ولی آقای بازگان چرا دولت را منهدم به اجرای برنامه مارکسیستی مینمایند؟ آقای بازگان نه تنها همانند تمام لیبرالهای ما بلکه همانند تمام سرمایه داران جهان ، هر کس را که مخالف مثنی اش باشد ، مارکسیست میدانند . مثلاً در سالهای دهه ۵۰ در ایالات متحد آمریکا چارلی چاپلین کارگردان سینما تنها به خاطر شمایلات آزاد بخواها نداشت به عنوان مارکسیست از آمریکا اخراج میشود . امروز نیز دستگاه ها که ما چنین وضعی مسئولی است .

با شروع جنگ ایران و عراق و گسترش ابعاد آن ، لزوم استفاده از ارتش روزبروز فزونی یافت . و به همراه آن نفوذ لیبرالها در حاکمیت و در بنیاد قطب انقلابی در میان نوده ها سبب گسترش . احتیاج به ارتش و انضباط ارتش زمینه را برای تاخت و تاز لیبرالها فراهم ساخت . از همین جا است که آقای بازگان حجت میآورند که "عدو و دوست حیراگر خدا خواهد" (سر

مقاله میزان شماره ۲۵) دشمن از راه میرسد عملهای میکنند

و حتمیگان را اسدا ر میکنند . "صورت حرکت و ایفای حد دنسها و عملها را اسراه" می آورد . آبروه ارتش و نه ایران و نه انقلاب اسلامی ما دادند . خلسا سان پاکسازی شده و محکوم شده را شنیدیم که سانوی و صرارلساس بونا شد . پشت فرمان نشینند و عراق دشمن را در هم کوبیدند ! (میزان شماره ۲۵) آری عملکردهای عدانقلابی رژیم جمهوری اسلامی و تکیه اش بر ارتش ، به تنها آبروه ارتش بلکه آبرو برای آقای بازگان کسب کرده که ترهای خود را ثابت شده به باد بویگوید ، تا مدتها پیش و از همان ابتدا میگفتیم که پاکسازی نکنید ، دستگاها را خراب نکنید و ... حال همه به سرعت آمده اند . وثابت شده است که نمیباید با عجله کار میشد ، بلکه ار همان ابتدا درست بود که گام به گام "پیش میآمدند" (نقل به معنی از میزان شماره ۲۵) میدان خالی است ، آقای بازگان بگفتناز آنچه موقعیتی از این بهتر ! جمهوری اسلامی امروز در خطر سقوط است . برای جلوگیری از سقوط آن به ارتشی قوی نیاز مند است . برای اینکه ارتشی قوی داشته باشیم میباید هم چون "دولت موقت بود که هم پیش بینی نیاز مندیهای نزدیک شدید کشور بود ارتش مجهز ، منضبط ، مومن را میباید دوم امیدوار . ری و اعتقاد به توبه ، و تمایل سرایت انقلاب

در صورت آنظر ادا داشت . بنا بر این آنان کند ارتش را ضعیف کرده اند در حقیقت جمهور اسلامی را با خطر سقوط مواجه ساختند و هموار نمودن راه برای سقوط جمهوری اسلامی "کفر" است . و بنا بر سر برای داشتن ارتش قوی باید تجهیزات مدرن داشت . برای تجهیزات مدرن نیز باید با امپریالیسم رابطه داشت . بنا بر این ارتباط با امپریالیسم نه تنها حرام نیست ، بلکه کمال "ایمان" است ، درست است که امپریالیسم روزی دشمن ما بوده ولی امکان "سرایت" انقلاب اسلامی "به او نیز هست ، و چون این سرایت انجام پذیرد ، به عنوان نیروی "مؤمن" میتواند به حفظ جمهوری اسلامی کمک نماید . پس کسانی که تا با امروز اینقدر فریاد میزدند "مرگ بر آمریکا" تنها و تنها دشمنان ما یعنی همان کسانی که میخواهند بین ما و امپریالیسم "تحاصم" و "تضاد" و "تخریب" را دا من بزنند ، یعنی کمونیستها هستند . آیا واقعا "عدو و سبب خیر شده است؟"

آری امروز عملکردهای مردمی رژیم جمهوری اسلامی ، تکیه اش بر ارتش و سرکوب انقلاب در این ۱۸ ماهه تا هم اکنون موجب شده آقای بازگان و ضام لیبرالها سرخرماد سوار شوند ، اما باید دید این سر را یکدام طویل خواهند برد ؟ و باید دید چه کسی طویل را لایروبی میکند؟! *

نامه

کارخانجات مذکور بوده در گلشهر کرج دارای مقدار زیادی باغ و خانه و مستغلات میباشد که معلوم نیست در آمد حاصله از این باغها را آقای شکفته چکار کرده اند و آیا هر هفته روزهای جمعه چه اشغالی با اتومبیلهای آخرین سیستم خود میمانان آقای شکفته هستند و آیا اموالی که آقای شکفته با ارتش سازی با داستان انقلاب از آقای صفری یکی دیگر از شرکای کارخانجات که واقع در خیابان پانزدهم شماره ۲۴۵ میباشد موالی را که گرفته اند و با لیغ سر میباید در حال میباشد چه کرده اند و تحویل کدام سازمان دولتی گردیده است . در باره جنایت و سوء استفاده های افراد مذکور میتوانیم با ما بر برادران کارگر که در کارخانجات زندان کار میکنند تماس و در جریان واقعات قرار بگیرند و رونوشت به نشریات رزمندگان بیکار کار راه کارگر

زندان بنما بدستور میدهد که ساعت کار کارگران کارخانه زندان قزلحصار یک ساعت بدون گرفتن مزد اضافه شود ضمناً آنها را کارگران نیز از تا ربح ۵۹/۶/۲۳ که بنهاده کارخانته بوده است قطع گردیده و با اخراج سرپرست بخش آبکاری کارخانجات قزلحصار که دارای مبارزات سیاسی در رژیم طاغوت بوده است این بخش تولى لیدی را از کار بریانندازد . و با تسلیفات دروغ در روزنامه جمهوری اسلامی چاپ گردید که کارخانجات زندان قزلحصار مشغول کار است . در صورتیکه فقط قسمت چاپخانه و ترکیبوی فنی مشغول کار میباشد با سرپرستی افرادی مانند آقای اصغر زمانی خواه مرزاده آقای شکفته و سایر بستگان نامبرده که شرکت عمل و نقل تا همین بار متعلق به نامبرده است ضمناً القانیان معدوم که یکی از شرکای

که خود را افرادی انقلابی میدانند و طی معاخصه ای که در سبای جمهوری اسلامی در تاریخ ۵۹/۶/۲۳ با آقای شکفته کرده اند اعلام داشته اند که کارخانجات قزلحصار را ایشان تاسیس کرده اند . با اطلاع میرساند کارخانجات مذکور که در سال ۱۳۴۶ با سرمایه افرادی چون القانیان ، صفری و تیمار ممبر تاسیس شده بود بعد از انقلاب تحویل بنیاد مستضعفین گردید و پس از چند ماه با پارشی سازی تحویل بنگاه تعاون و صنایع زندانیان گردید و آقای احمد شکفته همکار مصمی سرمایه دار معروف خیامی و بنیانگذار رفرونگاهای بزرگ ایران بعنوان مدیر عامل این بنگاه و سرپرست کارخانجات قزلحصار تعیین گردیدند و برای اینکه خدمت خوبی به اربابان خود آقای شاه علمیرزاده و سایر پروروسای

ماهیت

انجمنهای اسلامی کارخانجات و ناگتیک کمونیستها نسبت به آنان

عملکرد انجمنهای اسلامی در کارخانجات و نسبت به طبقه کارگر

۱- مهمترین عملکرد این انجمنها با نام ظاهر خوش آب و رنگ آنان، پسر خورد فدکا رگری آنان به مبارزه کارگران بر علیه سرمایه داران میباشد. طبقه کارگر ایران در تجربه روزمره زندگی بطور غریزی این عملکرد انجمن های اسلامی را بخوبی میشناسد. انجمن های اسلامی در کارخانجات سعی در ایجاد تفرقه میان کارگران و استفاده از بخش ناآگاه کارگران در سرکوب بخش آگاه میکنند. نمونه چنین عملکردی را میتوانیم در جریان تحصن کارگران کارخانه ایران مشاهده کنیم. کارگران وابسته به حزب و کمیته داخل کارخانه با اختلاف انداختن میان قدیمی ها و جدیدی ها بر سر میزان سود ویژه و همکاری کمیته دیو، مبارزات کارگران ایران را بشدت سرکوب نمودند و تعدادی از کارگران مبارز و آگاه را دستگیر کردند. ایجاد تفرقه میان کارگران با علم کردن مسایلی نظیر قدیمی و جدیدی و با مذهبی و چپی یکی از سیاستهای انجمن های اسلامی دربرخورد به صف متشکل کارگران بوده است. اینان در زمانی که کارگران چون تنی واحد برای احقاق حقوقشان در مقابل مدیریت قد علم میکنند با طرح شعارهای انحرافی و با فریب کارگران ناآگاه صف متشکل و متحد کارگران را به تجزیه و ثلاثی میکنند. در جریان حمایت کارگران آلبرز از کارگران اخراجیشان همین عناصر وابسته به حزب با تحریک یکی از بخشهای کارخانه علیه بازگشت اخراجیها دست به توطئه زدند و صف متحد کارگران را دچار تفرقه کردند. اینان چون نیروهای ساواک و نیروی ویژه گوش میخواستند تا عناصر آگاه و مبارز کارگری را شناسایی و اخراج نمایند. آنان کارگرانی را که بحث راه می اندازند و سعی در کسب آگاهی دارند شناسایی کرده و مورد سزاجوئی و تفتیش عقاید قرار میدهند. انجمن اسلامی صنایع دفاع، کارگرانی را

در عرصه ای به وسعت کارخانه های ایران طبقه کارگر ما را تهدید میکند. گمراهی های بنام انجمن های اسلامی است. کارگران آگاه و مبارز ما در جریان روزمره مبارزه شان، برخورد های ضد کارگری این لانه های مزدوران و خائنین به طبقه کارگر را بخوبی دیده و شناخته اند. این انجمنها علیرغم اینکه زیر پوشش تبلیغ ایدئولوژی اسلامی و "پرورش انسان مسلمان" و با "تواد آموزشی" و "سیح" و ایجاد کتابخانه ها ایجاد میشوند، در سر خوردن مبارزه کارگران بخوبی ماهیت فدکا رگری خود را عیان میسازند. هنگامیکه مبارزه کارگران بر علیه سرمایه داران و مدیریت، روبه اوج است هنگامیکه دیگر مدیریت قادر به کنترل کارخانه نیست هنگامیکه نورا های واقعی کارگری از درون مبارزات توده های کارگری می جوشد و بهترین و فداکارترین و مبادترین نمایندگان طبقه را برمگزیند و مشت تمامی نمایندگان دروغین کارگران و عناصر فدکا رگرمیان کارگران باز میشود، کارگران بخوبی تجمع ها و تشکلهای ضد انقلابی ای را می بینند که از عناصر ضد کارگر شکل میگردد. عناصری که همواره چون زالوها می بر بدن تنومند و زنده طبقه کارگر ایران چسبیده اند و از قبل کار آنان میخورند نظیر سرپرستان و روسای بخشها کارمندان، مهندسان، کارگران متخصص و بقیه سفید و نیز عناصر لومین و فاسد و با بختی از عقب مانده ترین و متوهم ترین و ناآگاه ترین کارگران متشکل میشوند. اینان ابتدا جلسات مخفی برگزار میکنند. نقشه میریزند تا جریان مبارزه را دچار توقف کنند و یکمرتبه یک روز بمنسوان انجمن اسلامی اعلام موجودیت میکنند و خود را وکیل کارگران و مبشر اسلام، عدل و داد برای کارگران معرفی میکنند. انجمن اسلامی پاری الکتریک یک مرتبه در جلسه عمومی ثورا چون قارچ از زمین سبز میشود و با انجمن اسلامی کارخانه آلبرز که همچنان در خفاست و قصد اعلام موجودیت دارد، کارگران ایران دشمنی این انجمن های مزدوران را نسبت به مبارزاتشان بخوبی می شناسند. این انجمن هادر یک کلمه اسرار دست حزب جمهوری اسلامی و جناح خرده بورژوازی حاکم برای سرکوب مبارزات کارگران است. این انجمنها در ماهیت خودشان نوکران حلقه بگوش سرمایه داران و دولت جمهوری اسلامی در سرکوب مبارزات کارگری ان و سردار دولتی سپاه پاسداران و

است. انجمنها از حضور عناصر آگاه و انقلابی و کمیونیت میان کارگران وحشت دارند. در بسیاری از کارخانجات انجمن ها برای ورود کارگران جدیدالاستخدام مسا حبه با مبارزات در دستر باز جوئی و تفتیش عقاید تشکیل میدهند. یک شرط استخدام کارگران در کارخانه I-D-A موفقیت کارگران در مصاحبه با انجمن اطلاق است. هر کجا که رشد مبارزه کارگران سبب شکل گیری تورا های واقعی کارگری متشکل از عناصر آگاه و مبارز و کمیونیت گردد انجمنهای اسلامی در خفا شروع به فعالیت میکنند. جلسات مخفی میگذارند. بین کارگران ناآگاه و عقب مانده سازماندهی میکنند و برای سرنگونی ثورا و اخراج عناصر فعال، برنامهریزی میکنند. آنان شروع به تهمت زدن به کارگران فعال و مبارز برای جدا کردن از توده کارگران میکنند و با کمک سپاه پاسداران و کمیته های محل، اقدام به سرنگونی، اخراج و دستگیری عناصر فعال ثورا میکنند. نقش انجمنهای اسلامی خصوصا در زمینه اخراج و دستگیری و سرنگونی ثوراها ضدیت این انجمنها را با رشد آگاهی و تشکل کارگران نشان می دهد.

ما شواهد و مدارک زیادی مبنی بر همکاری این انجمنها با ارگانهای سرکوب سپاه پاسداران و کمیته ها داریم. در کارخانه آلبرز به معترض مبارزات کارگران، عناصر فعال در کمیته ها، پاسداران را به کارخانه میآورند. در کارخانه تکنو کار کارگران وابسته به سپاه پاسداران از طریق آوردن آغونید و برگزاری جلسات سعی در ایجاد جو ضد کمونیستی بر علیه ثورا و عناصر درون آن میکنند. آنان با ایجاد محیط رعب و وحشت ترس از اخراج در محیط کارخانه برای اخراج ۸ نفر از کارخانه و انحلال ثورا فعالانه وارد عمل میشوند. در کارخانه ایند امین نقشه های انجمن اسلامی در جدا کردن کارگران از ثورا به بن بست می رسد و آنگاه با ایجاد درگیری و دخالت کمیته ایران ناسیونال ثورا را متحل و عناصر

مسار را اخراج میکند. اس انجمنها در حوال مونیورز، کفش ملی، ناطمی و در صنایع سنگس نظیر فولاد اهاز، ذوب آهن، جنرال صنعتی، سنزاور، اسران ناسونال، زامیاد، جیت سازبها، راه آهن و دارو - بخش خوبی جیره خود را در ازمها بشد ن شوراها و سرکوب کارگران نشان داده اند. ازمها با نایندن شکل های کارگری از مهمترین خدمات انجمن های اسلامی نسبت به سرمایه داران و دولت جمهوری اسلامی بوده است. در کارخانه پوشش گیلان مدیریت به همکاری معنا مزدور و زندکارگر کارخانه در مقابل شورا دست به تشکیل انجمن اسلامی میزنند و طی اطلاعیه ای شورا را منحل اعلام میکنند. سطح بالای آگاهی و اتحاد کارگران و حمایت کارگران کارخانه از شورا سرانجام سبب دخالت ارگانهای سرکوب، دستگیری و اخراج کارگران مبارز و آگاه میگردد. همکاری انجمن اسلامی در تمام این حرکات با مدیریت و سپاه پاسداران محرز است. در کارخانه نورد اهاز انجمن اسلامی برای تلافی شورا نقشه میریزد. در کارخانه ماشین سازی تبریز انجمن اسلامی تحت عنوان کارگران خط امام شورا را منحل اعلام کرده و خود بر اوضاع کارخانه مسلط میشود. اینان چند روز بعد تحت عنوان شورای کارخانه به جلسات اتحادیه صنایع گسترش در تهران آمده و با ایجاد جو درگیری و تشنج باسداران را به مدافله در جلسات فرا خوانده و اتحادیه کارگری را منحل اعلام می کنند. انجمنهای اسلامی و سپاه پاسداران در گیلان دست به شناسائی عناصر فعال اتحاد شورا های گیلان و دستگیری و اخراج آنان میزنند. سپاه پاسداران نیمه شب ساختمان کانون شورا های شهر را اشغال نموده و آن را منحل اعلام کرده و توسط عناصر مزدور کارخانجات شرق تهران و انجمن اسلامی، شکل فدکارگری جدیدی را شکل میدهند. در تبریز انجمن اسلامی تراکتور سازی تبریز برنامه کانون فرهنگی اسلامی نظارات ۷۵۰ نفر از کارگران را در میدان قیام برهم میزند. انجمن اسلامی جهت ممتاز کارگران مبارز را اخرج از کارخانه تعقیب میکند و سپس با تهمت همکاری این کارگران با کودتا - چپان و با همدستی مدیریت شرایط اخراج انفر از کارگران مبارز و فعال را فراهم

میکند. در صنایع نظامی (پارسی) انجمن اسلامی برای دستگیری و زندانی کردن کارگران مبارز در یکی از کارخانسی مسافتک درست کرده است و در کارخانه الکتریکی "تیم" شهدا انجمن اسلامی نقشه ترور یکی از کارگران مبارز را تدارک می بیند. که موفق نمی شود. انجمن اسلامی جیت تهران حتی اختیار استخدام کارگران را نیز در دست دارد و شورا را زیر نفوذ خود گشاده است. در دارو بخش پس از تحمین کارگران و سرکوب مبارزانشان انجمن اسلامی در کارخانه قدر قدرت شده و صلدار مسلح در راهروهای کارخانه گمارده است. اینان آنقدر از کارگران مبارز آگاه وحشت دارند که در برخی کارخانجات نظیر ایند آمین و ایران ابزار و جیت تهران استخدام کارخانه را در دست گرفته و با استخدام مزدور برای خود سعی در تقویت موضع خود میان کارگران دارند. از طرف دیگر کانون هماهنگی شورا های (خانه کارگر) از انجمن ها میخواهد لیست کارگران آگاه و انقلابی اخرجی را در اختیارش بگذارد تا از استخدام مجدد آنان در کارخانجات جلوگیری شود. اینست گوشه ای ناچیز از ترزنامه تنگین انجمن های اسلامی و عملکردهای فدکارگری اینان.

۴- از آنجا که این انجمن ها ابزارهای حاکمیت حزب جمهوری اسلامی و جناح خرده بورژوازی هیئت حاکمه هستند، اینان سعی در تبلیغ سیاستهای حزب جمهوری در میان کارگران میکنند. انجمنها سعی میکنند توده های متوهم کارگر را بزرگشاهای حزب بسیج کنند و از نیروی آنان برای تامین پایگاه توده ای حاکمیت و برای کسب برتری در رقابتهای جناح دیگر حاکمیت سود ببرند. اینان در جریان انتخابات جمهوری اسلامی و مجلس خبرگان حوزه های رای را بد اغیل کارخانه آورده تا بیشترین رای را از کارگران و آنهم رای به کاندیداهای حزب و از کارگران بگیرند. اینان در جریان انقلاب فرهنگی دانشگاهها توده های کارگر را برای شرکت در سخنرانی بنی صدر و گرفتن تاپید از کارگران در سرکوب دانشجویان با استفاده از آگاهی و توهم کارگران بسیج نمودند. انجمن ها در جریان اول ماه مه سعی کردند راهبیمائی کارگران را بزرگشاهای خویش بکشند و وقتی شاه راهبیمائی شکل مستقلی مثل

سادراسری برگراری اول ماه مه بودند سعی کردند با برگراری مراسم راهبیمائی در همان نقطه و در همان ساعت راهبیمائی با برتشکل های مستقل کارگری را برهم بزنند. ارسال نامه هائی با امفاسی کارگران در تاپید رجائی در مقابل جناح رقیب (بنی صدر)، اعلام حمایت کارگران به حمایت از رژیم در جنگ با عراق و جمع آوری کمکهای مالی و اختصاص یک روز حقوق کارگران برای بودجه جنگ سرقرار کردن جلسات اجباری سخنرانی حجاب اجباری، روزه اجباری و نهم از جماعت اجباری، برگراری راهبیمائی علیه مجاهدین و کمونیستها (در راه آهن) از اقدامات این انجمن ها در کارخانجات کارگران نه زبرسیاستهای هیئت حاکمه بوده است. انجمن های اسلامی در واقع بلندگوها و ابزارهای حزب جمهوری اسلامی برای تامین پایگاه توده ای و اسفا ده از نیروی کارگران در پیشبرد سیاستهای خود میباشند.

۳- اقدام دیگر این انجمن ها تبلیغات زهر آکین آنها برای جلوگیری از رشد آگاهی طبقاتی میان کارگران میباشد. اینان با برگراری جلسات سخنرانی با چاپ نشریات و سیما تها سعی دارند جلوی رشد آگاهی کارگران را بگیرند. نفسی اعتماد و اتکاء به توده ها اعتقاد به نیروی مافوق در عرصه جهان و نیز نیروی مافوق به عرصه اجتماعی، نفسی آگاهی، نفی حاکمیت زحمتکشان، محور و زیر بنای فلسفه تبلیغ آنان را تشکیل میدهد. ز نظر آنان بشریت گله گوسفندی است که احتیاج به چوپان مافوق دارد. آنان چون لاشخورها و سگان ولگردی بومیکنند و گوش تیز میکنند تا در لابلای حرفهای کارگری، کارمندی دانش آموزی یا معلمی، ذره ای از حقیقت و آگاهی پیدا کنند تا علیه او در محیط توطئه کنند. به لیست کتابها و نوشتجات و نشریات آنان نگاه کنید تا مابین اما س تبلیغات و تحریفات بر علیه کمنوسیت ها و نیروهای انقلابی است. اگر در گذشته در بین این تبلیغات ذره ای آگاهی بر علیه ظلم و ستم و ... و آگاهیهایی مبهمی بود و در آن ذره ای از رایحه های انقلاب جریان داشت، اکنون چیزی جز کندیگی و تعفن و دروغ و شانناژ به چشم نمبورد. وحشت آنان از رشد آگاهی طبقاتی

مرگ برامپریا لبسم آمریکا و ارتجاع داخلی!

ارگان سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر

رزمندگان

کارگران به حدی است که بیشترین تلاش خود را میکنند تا اوراق تبلیغاتی کمونسسها بدست کارگران نرسد.

برخورد کارگران به انجمنهای اسلامی

بارشد جنبش توده‌ای و رشد جنبش کارگری، این انجمنها روز بروز در نظر کارگران بیش از پیش رسوا میشوند. با توجه به اینکه هسته‌های اصلی این انجمنها را مشتی عناصر مزدور و سودگراگر که دشمنی طبقاتی خود را به کارگران نشان داده‌اند تشکیل میدهند و بدلیل عملکردهای ضد کارگری این انجمنها اکثر امیان کارگران منفور هستند. هرچه مبارزه مبرمتر میگردد و هر چه از قیام دورتر میشویم شاهد منسزوی شدن این انجمنها هستیم. انجمن اسلامی راه ۲۰۰۰ نفر برانجام توانست تنها ۳۰۰ نفر از ۳۰۰۰ نفر کارگران را (آنهم از بخش عقب مانده کارگران با ایجاد ترس از اخراج) به راه پیمایی بر علیه مجاهدین و کمونیستها بکشاند. انجمن اسلامی تراکتورسازی تبریز تنها ۱۰۰ نفر را توانست بر علیه نظامات ۲۵۰ تن از کارگران کارخانه سیج کند. انجمن اسلامی جیت تهران میان کارگران شدیداً منفور است و حکم ساواک و نیروی ویژه را دارا این انجمن در اوج توهم توده‌ها توانست ۲۰۰ نفر از کارگران را محکوم کند و اکنون این تعداد به ۵۰ نفر رسیده است. در کارخانه مزد کارگران از اعلامیه‌هایی که بر علیه انجمن داده میشود استقبال میکنند بطوریکه عناصر ضد کارگران انجمن وحشت کرده و جلساتشان را مخفیانه برگزار میکنند در کفش ملی شرکت یکی از اعضای انجمن اسلامی در انتخابات شورابا مخالفت و اعتراض کارگران روبرو میشود.

در همین حال تضاد بین انجمنها با بدبختی که ناشی از تضاد میان دو جناح هیئت حاکمه و در جریان طبقاتی - سیاسی در عرصه جامعه است سبب ایجاد توهم در ذهن کارگری آن نسبت به ما هیئت این انجمنها میگردد.

که تنها با توضیح طهیت طبقاتی - سیاسی این اختلافات میتوان توهم را از میان برد. انجمن اسلامی راه ۲۰۰۰ نفر ترکیبی از دو جناح با طرفدار حزب و طرفدار ریشی صدر است. و این پیچیدگیها بی عملکرد آن سبب میگردند در اکثر موارد انجمنها که زهر هژمونی حزب هستند، تضادها پیشان را با جناح دیگر حاکمیت یعنی لیبرالها و ریشی صدر بظا هر دو پوشش ضدیت با سرما به ضدیت با مدیریت نشان میدهند. اینان با طرح خواسته‌های قلب شده کارگران با ایجاد توهم در میان کارگران نسبت به ما هیئت خود توده‌های کارگر نا آگاه را حاکمیت سیاستهای خود بسج کرده و آنان را در خدمت سیاستهای خود بکار میگیرند. انجمنهای اسلامی از نفرت کارگران بر علیه سرما به سود میجویند و فرصت طلبانه کارگران را بزهر هژمونی خویش میکشند. ضعف نفوذ ایده‌های سوسیالیستی میان کارگران، ضعف کار تبلیغی کمونیستها میان کارگران با سانی کارگران را به سمت این موضعگیری‌های بظا هر ضد سرما به میکشاند. تنها آنگاه که مبارزات کارگران رشد کند و خواسته‌های عینی و مشخصی را پیش روبرو کرده، تنها آنگاه است که دیگر انجمنهای اسلامی نمیتوانند عوام فریبی کنند و ما هیئت ضد کارگری خود را نشان میدهند.

عامل دیگر پیچیدگی عملکرد این انجمنها حضور کارگران ضد سرما به و توهم مذهبی در درون برخی از این انجمنها است. علیرغم سیر روبه افزایش بریدن کارگران از انجمنها، چنان با انجمنها بی با این ترکیب تا همگون روبرو هستیم (نظیر انجمن اسلامی کارخانه هوشمند) اثرات حضور این کارگران پیشر و توهم ضد سرما به خود یکی از عوامل پیچیدگی این انجمنها است که در مواردی حتی نیروهای کمونیست را نیز دچار توهم میزند.

با نگاهی به قطعه‌های کنگره‌های شورا‌های اسلامی که تاکنون توسط حزب و این انجمنها سازمان داده شده و مو-

ضخیری‌های دوپهلوی این قطعه‌ها انعکاس این تضاد منافع طبقاتی و حرکت غریزی پیشروان را با سیاستهای ضد انقلابی گردانندگان این کنگره‌ها میتوانیم مشاهده کنیم. ما در شماره‌های پیشین این پیچیدگی را در تحلیل قطعه‌های این کنگره‌ها تشریح و تحلیل کرده ایم.

علیرغم وجود این پیچیدگی‌ها و جلوه‌های متناقض و نامتجانم در موضعگیریها و عملکردهای برخی از انجمنهای اسلامی در تحلیل نهایی ما هیئت طبقاتی - سیاسی این انجمنها بعنوان ارگانهای ابزار دست غرده بورژوازی حاکم، در حفظ حاکمیت خود، مبنای تاکتیک کمونیست‌ها نسبت به آن میباشد.

شبکه انجمن‌های اسلامی در ادارات در کارخانجات و در کلیه محیط‌های کار و تولید و زندگی توده‌ها، در رابطه با حزب یک سازمان سیاسی - تشکیلاتی در درون توده‌ها ایجاد کرده است تا جلوی جنبش توده‌ها را بگیرد و عناصر مبارز را شنا سایی کند و بر علیه آنها توطئه بچیند و در نهایت دست به سرکوب جنبش توده‌ها بزند. سازماندهی این جریان ضد انقلابی روز بروز تشکیلاتی پیچیده‌تر میگردد. فراهم میسازد سبب توهم توده‌ها را رشد جنبش توده‌ای روز بروز ما هیئت این انجمنها برای توده‌های متوهم و نا آگاه رومیخورد و پیرویه جدایی توده‌ها از این کانونهای ضد انقلابی تسریع میگردد. انجمن‌های اسلامی در ادامه، خویش با مجبور به متلاشی شدن هستند و با روز بروز هر چه بیشتر با ما شین سرما به داری وابسته جوش میخورند (کشتی دوم محتمل ترین و غالب ترین امکان در پیرویه حرکت انجمن‌ها است و شق اول بستگی به عوامل و ویژگیهای محلی انجمنها دارد که بسیار نادر است) و جزئی از ارگان‌های ادارای بورژوازی میشوند.

فرار در رابطه با عدم حراست از خطوط لوله‌ها و سیدگی به مسائل شرکت نفت افشاء نمود (نقل به معنی از روزنامه جمهوری اسلامی)

قطعه‌های بر علیه معین فرما در کنگره عملکردهای و وارد در رابطه با دستگیری کارگران مبارز را زگرداندن عناصر "فاغوشی" تفضیه شده و گماردن آنها به پستهای بالاتر و افشای هیئت پاکسازی و طرح لزوم ترکیب هیئت منتخب کارکنان و مسوود اطمینان شوراها و اتحادیه‌های انجمنهای اسلامی و در کلیه انتخابات و زیر نفعت و مسئله بازنشستگی کارگران را افشاء نموده و خواهان مناظره تلویزیونی با او شده و معین

- بعنوان نمونه با بدبختی عملکرد پیچیده انجمنها و شورا‌های اسلامی صنعت نفت در برخورد با لیبرالها و بوروکراسی موجود و مخالفت روحانیت مبارز و از با این انجمنها اشاره کرد که در همین حال سطح بالای جنبش توده‌ها و رشد آگاهیه آنها را نشان میدهد.

۵۹/۲/۳۰ - انجمن‌ها و شورا‌های اسلامی کارکنان منابع نفت در طی جلسات فوق العاده در فاصله ۲/۲۶ - ۲/۲۲

تاکتیک کمونیست‌ها در قبال انجمن‌های اسلامی

۱- وظیفه کمونیست‌ها ایجاد مشکل و ضد مسخر بیرون‌سازیدار مقابل کلیه حریمات بورژوازی در زمان طغیان کارگر است. کمونیست‌ها باید به ارگان‌های توده‌ای، به‌شوراهای که کمونیست‌ها باید عمل تشکیل ارگان‌های توده‌ای را که در حریم مبارزه و از درون مبارزه توده‌ها توسط بهترین، حداکثرترین و صادق‌ترین عناصر طبقه و توده‌ها سربرمی‌آورند در دستور کار خود قرار دهیم. ما باید به عمل مستقیم کارگران و زحمتکشان تکیه کنیم و بدانیم که بیش از هر چیز تجربه مشخص توده‌ها آنها را می‌موزد.

هر چه صف کارگران مشکل‌تر باشد هر قید ر سطح آگاهی و مبارزه کارگران ارتقاء یابد. بدین‌جهت‌های اسلامی بنا بر ما همبستگی طبقاتی شان تا گزیر بیشتر و بیشتر تجربه ضد کارگری خود را در معرض دید توده‌ها قرار میدهند. و در این میان باید برای کارگران، علل ضعف‌شوراها و آلت دست شدن آنها را توضیح دهیم. ما باید توضیح دهیم تا عناصر کمونیست و انقلابی، تا نما-بندگان واقعی طبقه کارگر بیرون این شوراها راه‌ها پیدا کنند و آنها را می‌توانند از گزند هزاران فریب و نیرنگ مدیریت و انجمن‌های اسلامی در امان بمانند.

۲- وظیفه ما افشای پرحوصله و نوصیفی ماهیت این انجمن‌هاست. این افشاکاری میبایست دو هدف را برآورده سازد:

الف - افشای ماهیت ضد کارگری این انجمن‌ها با ارائه فاکت‌ها و نمونه‌های عینی از برخورد این انجمن‌ها به جنبش کارگران و توده‌ها و نشان دادن وحدت انجمن‌ها و مدیریت در برخورد به جنبش کارگران و ارگان‌های کارگری (شوراها - اتحادیه‌ها)

ب - افشای ماهیت تضاد میان انجمن‌های اسلامی و لیبرال‌ها. ما باید ریشه‌های تضاد ایندوارگان را در کارخانه در رابطه با جریان‌های سیاسی - طبقاتی موجود در سطح جامعه و تضادها نشان و علل آنرا برای توده‌ها توضیح دهیم. ما باید این عوامل فزاینده بورژوازی و اپرگانی‌ها را - انجمن اسلامی را - که سعی میکند با طرح تضادها پیش‌بال لیبرال‌ها

با طرح هواس‌های فلت‌تده کارگران کیمه طبعی کارگران را علیه مدیریت به‌امیراری برای خود و سبلی احسرای مافع خود تبدیل کدا ماعنا کیم ما باسد حرکت مرتب طلبا به این جریان سیاسی طبقاتی و ارگان‌ها پیش‌را - احسرای اسلامی - در تبدیل کارگران به راسته خود برای کارگران اعنا کیم .

و نتیجه عملی چنین سیاست افشاکر - اسهای بعضی طرد و انحلال آنها را در سال کیم. سنها با اسناد این دو محور افشاکاری انجمن‌ها و کار توضیحی نشان توده‌ها است که میتوان به‌جنگی‌های عملکردهای انجمن‌های اسلامی را برای توده‌ها بیان کرد و آنها را نسبت به ماهیت این جریان روشن نمود در افشای این انجمن‌ها مسئله مذهب و اعتقادات مذهبی کارگران و توجه به آن امر مهمی است. دشمنان با دست گذاشتن بر روی اعتقادات مذهبی توده‌های متوهم و حتی عناصر پیشرو مبارز می‌توانند در جدا کردن آنها از کمونیست‌ها در دوام با بددر فعالیت تبلیغی ما را ضد این تاکتیک راه کار بریم ما انجمن‌ها را از موضع افشای عملکرد - های مشخص و ملموس ضد کارگری نشان افشا خواهیم نمود.

و آخرین سخن: **تاکتیک‌ها و تبلیغات** نبایدستی با هم اختیاه گردند. متدهای تبلیغی میبایستی به شرایط محلی و فردی تطبیق داده شوند. هر تبلیغی با یتنی مجاز به انتخاب آن متدهای تبلیغی اش که در دسترس اش قرار دارد، باشد. ما داریم که مردم به مبلغ نزدیک میشوند، تبلیغ نیز با یتنی مناسب آنان باشد. **تبلیغ با یتنی اختیامی بوده ولی تاکتیک‌ها**

در فعالیتهای سیاسی ما باید همگونی باشد. فعالیت تبلیغی و محلی ما باید یوز - کنه‌های شرایط محلی ما را در نظر بگیرد. علمبرعم ما هیت احسن‌های اسلامی بدلیل وجود به‌جنگی‌های سرنورده در فعالیت این احسن‌ها بدلیل وجود عناصر پیشرو و متوهم و سرکنش‌های با همگونی در درون این احسن‌ها فعالیت تبلیغی ما در راستای این - کیمک تا بدکا ملا منطبق بر شرایط مشخص و ویژگیهای مشخص هر محیط کار باشد. از نظر وسیع ذهنیت توده‌ها و وسیع از نظر سطح مبارزه کارگران و عناصر مستکنده انجمن‌ها و عملکردهای مشخص انجمن‌ها باشد. این فعالیت‌های تبلیغی دامنه‌ای را از برخورد ردهای مشروط تا طرح شعار انحلال این ارگان‌های ضد کارگری را میتواند در بر بگیرد و در پیرویه کار تبلیغی خود در خدمت تاکتیک ما در قبال این انجمن‌ها در بیاید. توده‌ها مسایل را بر اساس تجربیات مشخص خودشان تحلیل میکنند و بر اساس عملکردها و برینا به معین و واحدی ملموس دوستان و دشمنان خود را میشناسند بر خورد ما با این انجمن‌ها نیز با بدبر اساس منافع مذهبی توده‌ها و تجربیات مشخص آنان باشد و در این پیرویه برخورد است که توده‌ها به کمونیست‌ها نه بتوانان افرادی که تبلیغ میزنند و صحبت‌های کلی و مبهم مینمایند بلکه بتوانان افرادی که بر اساس منافع طبقه کارگر مبارزه میکنند توجه کرده و اینان می‌آورند.

۳ - س ۲۲ گران‌تینی قهرامی به تفلس از کوتکی - تاکیدات از مات .

اسارت جرم آگاهی!

گری مردم را دور خود جمع می‌کند، اما پاسداران بزور او را با خود می‌برند و بزندان می‌اندازند. رفیق در زندان آن اعتبار غذا می‌کند، بطوریکه پس از دو روز با حالت اغشاء به بیمارستان منتقل می‌شود. او اینک از بیمارستان پس زندان بازگشته و عمال حکومت مشغول پیرونده‌سازی برای او هستند.

وشت از آگاهی مردم!

پاسداران رومس روز نهم مهر ماه به شکل مسلحانه وارد روستای گل‌دشت می‌بالان شده و بیگ کتابخانه که توسط جوانان روستا درست شده بود حمله میکنند تا آن را برچینند. اهل مقاومت جوانان مبارز روستا مواجه شده و حمایت فعال مردم روستا و مقبله زنان و دختران شیردل با پاسداران، آنها را مجبور به عقب نشینی کرده

آگاهی توده‌ها، نابودی ارتجاع!

را برای طبقه کارگر صرفاً مبارزه اقتصادی با اضمحلال سیاسی قائل می شود و مبارزه سیاسی - انقلابی را به کمونیستها اختصاص می دهد.

● رفیق سموع:

۱- رابطه دو شعار "کارگران جهان متحد شوید" و "برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق" را خواسته اید و در واقع از جاشیکه معتقد هستید که باید بدنبال شعار نخستین شعار "برقرار باد جمهوری سوسیالیستی" طرح شود رابطه دو شعار فوق را نفی می کنید. رفیق! شعار "کارگران جهان متحد شوید" که برای نخستین بار بوسیله مارکس و انگلس در مانیفست ارائه شد سرآمد هر شعار استراتژیکی است که کمونیستها ما دامیکه نظام سرمایه داری در سراسر جهان مضمحل نشده باشد و بتاريخ گذشته بشری نهبسته باشد. طرح می نمایم این شعار بیانگر وحدت جهانی پرولتاریا در مقابل ستم سرمایه است. این شعار ضرورت پیوستگی طبقه کارگر پیروزمند طبقه کارگر تحت ستم را بیان میدارد. این شعار بیانگر استرنا سبوتالیسم پرولتریست گه طبقه کارگر هر کشور را بنا بر تحلیل منحصراً آن شرایط در سراسر افراشتن درفش پیروزی از باری و همکاری طبقه کارگر سراسر جهان بهره مندی سازد. کمونیستها هیچگاه و در هیچ شرایطی نمی توانند این شعار را که از آغاز طلوع ایدئولوژی پرولتاریا در سلف تاریخ طرح شده و تا برقراری جامعه کمونیسم در سراسر جهان همچنان ضرورتاً در شرایط عینی رها سازند و طبقه کارگر هر کشور برای کسب پیروزی خود در شرایط ویژه خود چه برای سوسیالیسم چه برای جمهوری دموکراتیک خلق و هر حرکتی که در این راستا قرار داشته باشد، مبارزه نمایند به طرح شعار وحدت پرولتاریایی سراسر جهان، برای پیروزی خود نیازمند است و خود این پیروزی هم برای حفظ خود و گسترش پیروزیش و هم برای جلوگیری از تهاجم بورژوازی به آن نیازمند است.

"کارگران جهان متحد شوید" راستی برای پیروزی و کسب قدرت "کارگران جهان" ضروریست "جمهوری دموکراتیک خلق" که حاکمیت مشترک پرولتاریا و خرده بورژوازی دمکرات و انقلابی را تحت رهبری پرولتاریا بیان میدارد و ضرورت شرایط مشخصی است که در حکم گامی اساسی سوسیالیسم حاکمیت مطلق پرولتاریا میباشد. پیروزی قطعی سوسیالیسم خود به وحدت جهانی پرولتاریا نیازمند است که شرط خارجی هم برای پیروزی پرولتاریای یک کشور و برای گسترش آن در سراسر جهان سرمایه است.

اگر رفیق به این دلیل که در جمهوری دموکراتیک خلق طبقات دیگری نیز در قدرت سیاسی حضور دارند این شعار را ناقص شمارد جمهوری دموکراتیک خلق می دانند باید توجه داشته باشد که جمهوری دموکراتیک خلق بیش از همه امر پرولتاریاست و پیروزی آن را برای این اموری کسب همزمنی در قدرت سیاسی این جمهوری، برای تحقق حاکمیت مطلق خویش بر آن به پشتیبانی پرولتاریای جهان نیازمند است و رفیق باید توجه داشته باشد که در انقلابات سوسیالیستی هم این فقط کارگران نیستند که انقلاب را پیش می برند که فقط اتحاد آنها در این انقلاب ضروری باشد. در انقلاب سوسیالیستی نیز اقشار و طبقات تحت ستم و استثمار همراه پرولتاریا بوده ولی عمق خواسته های انقلاب و وسعت رت



● نامه ای از رفیق رضا (کارگر) بدستمان رسیده است که در آن بر جمله ای از مقاله "رزمندگان" شماره ۱۵ ننفا داده است. رفیق متذکر میشود: شما در مقاله اظهار داشته اید که راه کارگر مبارزه سیاسی و از جمله وظیفه سرما ایحاد حزب کمونیست را مختص کمونیستها میدانند، نه طبقه کارگر و ما از جمله با لانتیجه می گیریم که شما وظیفه ایحاد حزب کمونیست را به طبقه کارگر محسوس نموده اید. اگر به جمله نقل شده از "رزمندگان" دقت کنیم متوجه میشویم که ما مبارزه سیاسی طبقه کارگر و ایحاد حزب این طبقه را مختص کمونیستها نمیدانیم. به عبارت دیگر ما این مبارزه را نه فقط مربوط به کمونیستها و نه فقط مربوط به طبقه کارگر، بلکه مربوط به هر دو میدانیم. این به چه معناست؟

بقول لنین حزب کمونیست "محمول پیوند سوسیالیسم علمی با جنبش خود بخودی طبقه کارگر است" و بقول استالین "حزب کمونیست ستاد رزمنده پرولتاریاست". کمونیستها حزب طبقه کارگر را پایه گذاری می کنند، اما حزبی که بتواند ستاد رزمنده پرولتاریا و "محمول پیوند سوسیالیسم علمی با جنبش خود بخودی طبقه کارگر" باشد، اگر بر نقش کمونیستها در پیرویه ایحاد حزب تاکید می شود، و حتی بطور مشخص و بزبان ساده حزب، محصول عمل آگاهانسه کمونیستها تلقی می گردد، بدین معنا نیست که کمونیستها به عنوان نیرویی خارج از طبقه کارگر و بعنوان قیم و سرپرست طبقه کارگر مهده دار ایحاد سازمان سیاسی طبقه کارگر شده اند. کمونیستها این وظیفه را بعنوان جزئی از طبقه کارگر - جزئی از طبقه که در مبارزات آن شرکت فعال دارد - و بعنوان پیشروان تاریخی آن و در متن مبارزات طبقه کارگر انجام میدهند. پس وظیفه ایحاد حزب را طبقه کارگر، و به عبارت دقیقتر امر بلوغ و آگاهی طبقه کارگر است که در قالب کمونیستها تجسم می یابد، ایحاد حزب امر طبقه کارگر است. این امر بوسیله پیشروان تاریخی طبقه کارگر یعنی کمونیستها صورت می گیرد. دقت کنید که می گوئیم کمونیستها بمثابه پیشروان تاریخی طبقه کارگر، نه بخودی خود، و جدا از طبقه کارگر. کمونیستها حزب کمونیست را بر متن مبارزات طبقه کارگر و در اثر آموزش سوسیالیسم علمی با این مبارزات بوجود می آورند. پس نمی توان گفت که وظیفه مهده و درجه اول جنبش کمونیستی در رابطه با کارگران و جنبش کارگری، تشکیل شوراهای واقعی است. زیرا در صورت ابرار چنین شعاری در رابطه با طبقه کارگر، وقت الزاماً این نتیجه بدست می آید که "تشکیل حزب" وظیفه درجه اول خود کمونیستهاست و نه طبقه کارگر، و تشکیل دهندگان حزب نه پیشروان مبارزه طبقه کارگر بلکه مشت ر و شنفکر دوران طبقه کارگر و مبارزه آن می باشند. حکم "راه کارگر" منتهی بر اینکه وظیفه درجه اول کمونیستها در قبال طبقه کارگر طرح شعار تشکیل شوراهای واقعی است. کمونیستها را از طبقه جدا می کند و برای کمونیستها وظیفه درجه اول ایحاد حزب را قائل می شود، و برای طبقه کارگر تشکیل شوراهای

بدون رهبری طبقه کارگر

سیستم سرمایه داری وابسته به امپریالیسم نابود نمیشود

پاسخ به نامه‌ها

پرولتاریا آنچنان است که شرایط و توانائی کسب قدرت سیاسی را بطور متحقق می‌یابد و همچنانکه لنین در بر خورده با تروتسکی اظهار می‌دارد، هیچ انقلاب اجتماعی فقط با یک طبقه انجام نمی‌شود و این امر را تصور غیرممکنی می‌دانند زاینرو این درست نیست که فقط برای انقلاب سوسیالیستی اتحاد کارگران جهان ضروریست بلکه برای هر انقلاب که پرولتاریا هدف معینی را بسوی سوسیالیسم تعقیب نماید این اتحاد اهمیت داشته و شما نخستین هر انقلابی است که پرولتاریا در آن شرکت می‌نماید.

۲- مقالات غرورده بورژوازی و انقلاب بویژه در بر خورده با ساله غرورده بورژوازی مدرن دارای ناراحتیها و گاستیهاست که ما سعی خواهیم نمود آنرا تصحیح و دقیق نموده و برای جنبش بعنوان نظر سازمان ارائه نمائیم.

۳- برداشتی که رفیق از مقاله دکما تیسیم و رویزیونیسم (شماره ۲۶ رزمندگان) نموده اند درست نیست همچنانکه تیسیم مقاله نیز گویاست رویزیونیسم در آنجا اشاره به موقعیت ایدئولوژیستیک اکثریت است - چ است و اگر احیاناً لحن مقاله آنچنان بوده است که چنین تصویری پیش آمده است که اکثریت در جنبش کمونیستی جا دارد قابل انتقاد بوده و ما بار دیگر تأیید نموده‌ایم - چ (اکثریت) در جنبش کمونیستی جا نداشته و ما آنرا امروز بعنوان جریان رویزیونیستی ارزیابی می‌کنیم و اینرا با راه و بارها ما در مقالات مشروحی که در بر خورده با این جریان رویزیونیستی نمودیم نشان داده‌ایم.

۴- تذکر رفیق را در مورد بر خورده دقیقتر و مشخص تر با مسائل جنبش کارگری از جمله نشریات فابریک را سعی می‌نمائیم که بکار گیریم و می‌پذیریم که در بر خورده با مسائل مشخص جنبش کارگری نشریه دارای گاستی‌هایی بوده است که تلاش داریم از این به بعد آنرا مرتفع سازیم.

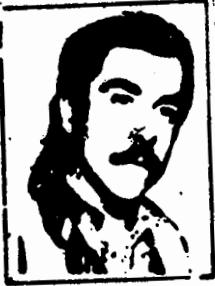
۵- بخش تشویریک سازمان در کار تحلیل جامعی از بورژوازی، فرایند رشد آن در ایران و بخش‌های گوناگون آن بوده که در آنجا سعی خواهیم نمود به نکته مورد نظر شما پاسخ داده شود.

رفیق مجید از تهران

هر آنچه از اسما دستمی که بر زنان در جوامعی از نوع جامعه ما می‌رود تذکر کرده‌اید بجا است و ما هم همواره سعی نموده‌ایم که در مبارزات مشخص و دمکراتیک آنان نقش موثری به تناسیب توانمان داشته باشیم. اما ما باید در نظر داشت که همان دلیل سلطه طولانی پدرسالاری نظام فئودالیسم و وجود بقایای آن در جامعه ما مجموعاً حرکت مستقل چشمگیری در با زپس گرفتن حقوق اجتماعی زنان وجود ندارد بسیار ضعیف است و سازمان ما هم به آن بطح از اسما در نظر رسیده است که بتواند در پیشبرد امر ویژه اجتماعی آنان نقش وسیعی داشته باشد هیئت تحریریه سعی نموده است که به مناسبتهای مشخص به این امر پرداخته و چندین مقاله در گذشته به این امر اختصاصی داده شده است و اخیراً در کارگردارک ارائه کتابی در این زمینه‌ها می‌باشیم ولی می‌پذیریم که می‌بایست از این سنتریه بررسی و طرحی اجتماعی که برای گروه بزرگ اجتماعی می‌شود بپردازیم.

رفیق معبد تذکرات دیگر شما را چه در زمینه جلوگیری از تکرار مقالات و توجه بیشتر به امر تبلیغ سعی می‌نمائیم بکار گیریم.

یادپیشمرگه قهرمان عطاالله براننده را گرامی بداریم!



روز شنبه ۱۲ مهر یکی از پیشمرگان دلاور سازمان به کار در راه آزادی طبقه کارگر در یک درگیری با ارتش و پاسداران رژیم جمهوری اسلامی به شهادت رسید. یاد این رفیق را گرامی داشته و راهش را ادامه دهیم!

خانها همچنان قوطه می‌کنند!

احمدی، عبدالله خان بپراحمندی نیز رهبری آنها را به عهد داده دارند. در این اردو خانهای ده بگرچون سهراب خان، عبدالله خان و جعفر خان کثلولی هم هستند که از مشاوران نزدیک خسرو خان قشقای میباشند و چندین مورد نیز رفت و آمد افراد ارتشی به اردو دیده شده است! در اردو شیدا تبلیغات ضد کمونیستی میشود.

در تاریخ ۱۵ مهر در جاده سیحان در چند کیلومتری روستایی به نام "دارنگان" اردویی از عناصر فارس برپا شده که افراد آن همه مسلح به تفنگ‌های سبک جنگی (ژ-۳، برنو، کلاشینکوف، و بوزی) و سلاحهای سنگین چون آرپی جی ۷ و نارنجک انداز میباشند. تعداد افراد این اردو ۵۰۰ - ۴۰۰ نفر است و خواستنی چون شهاب زخان به سر

حمله به نیروهای انقلابی به گناه شرکت در جنگ

هواداران مجاهدین خلق در اهواز خواستار وحدت تمام نیروها بر علیه تهاجم عراق شدند

هواداران سازمان مجاهدین خلق ایران در اهواز طی تگرمی به هئیت غرضی استانی خوزستان، ضمن اعراس به هراحت ها و اشکال اشکالی که کدهای در چه

حمله در چند روز گذشته به سمت کربلای چادرهای میان ممالک ما، حمله و هم رفتن کلاشای نظامی، فضای به هواگران و حتی نیروهای به

توانت از خواهران و برادران که حضور بهار در آمان در بازداشت هستند و بدت عزیمت و اشکال از برادران ما گرفته.

توده‌ای و کمک ب مردم جنگ زده است. تلگراف هواداران ما - زمان مجاهدین در اهواز به استایدار خوزستان نشان دهنده شرکت نیروهای انقلاب در جنگ و سرکوب این نیروها توسط حکومت از وحشت قدرت گیری و محبوسیت توده‌ای این نیروها می‌باشد!

رژیم جمهوری اسلامی از ابتدای جنگ ایران و عراق کوشیده است تا او نمود کند که نیروهای انقلابی و کمونیست خود "مزدور بیگانه" و "عوامل بعث" بوده و در جنگ شرکت ندارند. اما گاه از میان اخبار روزنامه‌های ما نورزده حکومت نیز اخباری بدست می‌آید که دال بر شرکت نیروهای انقلابی در جنگ، و سازماندهی مبارزات

ما برای فعالیت خود فقط به حمایت مرده متکی هستیم نه قوانین ارتجاعی!

مبارزه

دانش آموزان انقلابی،

مشت محکمی

بردهان ارتجاع!

دانش آموزان هوادار سازمان مجاهدین خلق در مدرسه رازی قاشم شهر، بزمانیکه صبح شنبه ۱۹ مهر به قصد خواندن سرود در مدرسه جمع می شوند و خواندن سرود را شروع می کنند، مورد تعرض مدیر مدرسه قرار می گیرند. حسین زاده مدیر مدرسه که عضوانجمن اسلامی است به اتفاق معاونش مهدی یحیائی که در درگیری های قائم

مبارزه با کلت به انقلابیون حمله کرد، همچون ما موران وظیفه پاس حکومتی که از رشد انقلاب و انقلابیون هراس دارد، سرسختی از ادامه سرود خواندن دانش آموزان انقلابی نمانت می کشد. اما دانش آموزان کمترین توجهی به حرف آنها نکرده و کار خود را ادامه می دهند. در این موقع مشت دانش آموز فریب خورده حزب الهی، به کمک مدیر مرتجع خود آمده و در مقابل دانش آموزان انقلابی صف آرایی کرده و شروع به خواندن سرود می کنند. مدیر مدرسه هم با استفاده از این وضع بلافاصله پاسداران مسلح کمینت را به کمک طلبیده و پس از چند دقیقه سر و کله اسلحه بدستان در

اخراج دانش آموزان انقلابی ادامه دارد!

در حالیکه هر روز حکومت از وحشت مردم در مقابل متجاوزین خارجی حرف میزند، عمال رژیم با کینه شدید خود نسبت به انقلاب، یک لحظه هم از سرکوب انقلابیون باز نمانده اند. در این میان موج اخراج معلمان و دانش آموزان انقلابی در روزهای گذشته به خود میگیرد و وقاحت و بی شرمی مسئولین آموزش و پرورش، هر روز برگشته ننگین دیگری بر پرده افتاد امات ضد انقلابی شان جا فزاید در دبیرستان روشنیک رشت، روز ۵ مهر ماه یکی اردانش آموزان انقلابی کلاً دار مجاهدین خلق را بجرم پختن اعلامیه و فروش نشریه اخراج کردند. دانش آموزان که از این اقدام مدیر مدرسه خشمگین شده بودند اعتصاب کرده و کلاسی هارا تحریم میکنند. دانش آموزان خواستار آمدن مدیرکل آموزش و پرورش میشوند و خواست های زیر را مطرح میکنند:

۱- بازگشت دانش آموز

اخراجی .
۲- آزاد بودن هرگونه فعالیت سیاسی .
۳- اخراج مدیر مدرسه، اما مدیرکل آموزش و پرورش، در مقابل این خواستهای برحق دانش آموزان، به مدرسه آمده و آنها را بدست تهدید میکند و با طرح مسئله انحلال مدرسه میگوید دانش آموزان را برتراند

باز هم یورش به خوابگاهها!

روزیگنجه سیزدهم مهر ماه حدود ساعت ۱۰ صبح پاسداران به خوابگاه دانشجویی دختران دانشگاه ملی حمله می کنند و آنجا را متصرف میشوند. در این حمله تعدادی از دختران که با اشغال خوابگاه ها از سوی دولت مخالف بودند مورد ضرب و شتم پاسداران قرار میگیرند. ولی دانشجویان بر ای اینکه در این شرایط بحرانی مشکلی ایجاد نشود دست به مقاومت نمی زنند و درست برخلاف

محیط آموزش و پرورش جمهوری اسلامی (!) پیدامی شود. آنها به دانش آموزان حمله کرده و به نفرات آنها را دستگیر و با خود به کمینت می برند. اما فردای آن روز، باز هم دانش آموزان جمع شده و به خواندن سرود می پردازند... و باز هم پاسداران مسلح که حتی از سرود خواندن انقلابیون هم وحشت دارند، به مدرسه یورش می آورند. بچه ها که از دستپاچی این گردن کلفت های مسلح به خنده افتاده اند، آنها را هومی کنند. اما پاسداران باز هم تعدادی از دانش آموزان را دستگیر کرده و با خود می برند. بی تک این ماجرا هر روز، همه جا، بوبه نکل های مختلف ادامه خواهد داشت!

نمره انضباط ۲۰!

یکی از دانش آموزان مبارز مدرسه راهنمایی دبیرستان دخترانه زهرا - فارسان واقع در بخش میزج (در استان اصفهان) روز سه شنبه هشتم مهر شهری را بنام "نمره انضباط ۲۰" از یک نشریه کمونیستی انتخاب کرده و به دیوار مدرسه می زند. پس از نصب این نشریه دیوار، یکی از مصلحان مرتجع، مقوای مزبور را با عبارت "نیت از دیوار کنده و اثر آن با خود به دفتر مدرسه می برد و برای بقیه معلمان می خواند. روز بعد همه معلم همراه با رئیس مدرسه صرف دانش آموزان حضور یافته و پس از یک سخنرانی احقانه می گوید: "بچه ها! ما نمی گوئیم فعالیت نکنید، ولی دیروز شهری بدیوار نصب شده بود که واقعا مسخره و مضحک (!) بود. این میروانند که شما گول چه مزخرفاتی را می خورید!"

در این موقع تمام دانش آموزان کنجگاو شده و از اوستی خواهند که آن شررا برای آنها بخواند. او ابتدا اگر کرده و می گوید شما را نقد مزخرف است که نمی شود آنرا خواند! اما تمام بچه ها و از بی رفتاری گذارند تا مجبور می شود شررا را بپای بندد برای همه دانش آموزان به خواند.

هر سطر که خوانده می شود، دانش آموزان به وجد آمده و با کف زدنهای ممتد خود، مضمون آنرا موردتأیید قرار داده و در عین حال مرتجعینی را که به خیال خود شعور انقلابی دانش آموزان را تحقیر می کنند، منزوی و خجالت زده می سازند. بعد از پایان شعر، همه دانش آموزان آنرا مورد تأیید قرار داده و به مسخره کردن معلم مزبور و تشویق دانش آموزان مبارز و انقلابی پرداختند!

آنها، پاسداران چون میدانند در این شرایط نیروهای انقلابی در مقابلشان مقاومت نمیکنند، تمام کوشش خود را بکار میبرند تا امکانات رفاهی دانشجویان را از دستشان خارج سازند، تا بدینوسیله از فضا - لیت نیروهای انقلابی هر چه بیشتر جلوگیری نمایند.

ما اشغال خوابگاههای دانشجویان دانشگاه ملی (پسران و دختران) و خوابگاه دانشجویان دختران دانشگاه صنعتی را محکوم میکنیم.

از اخراج دانش آموزان و معلمان مبارز جلوگیری کنیم!

اطلاعیه کانون فرهنگیان قاشمشهر در رابطه با اخراج معلمان انقلابی

مقابله کینه نوزائسه حکومت با نیروهای انقلابی، اینک از خبا با نهی قاشمشهر به مدارس منتقل شده است. صبح تعرض به دانش آموزان و معلمان انقلابی در مدارس هر روز گسترده تر میشود و ارتجاع زبسون و هراسناک نه ترکنازی مشغول است.

در این رابطه کانون فرهنگیان قاشمشهر در اطلاعیه ای بتاريخ ۱۴ مهر ۵۹ اخراج معلمان انقلابی اعتراض کرده و ضمن اینکه به تفصیل و با کسای کلیه عناصرو عوامل وابسته به رژیم سابق و طرفداران شاه و بختیار روسا و اکبها و ستا خیزی ها تا کید کرده اند، مینویسد:

"... اینک در آغاز سال تحصیلی جدید، عده ای گم نام و ناشاس "هنر پاکسازی" لیستی را تهیه نموده و در اختیار آموزی و پرورش قاشمشهر قرار داده است. در این لیست، در کنار نعضه عده ای قلبیل از وابستگان رژیم سابق، نام تعداد زیادی از بهترین و آگاهترین و دلسوزترین معلمان قاشمشهر چشم میخورد. (درجا) لیکن هنوز بسیاری از وابستگان نه رژیم سابق بر سر پست های خود ایفا هستند.

نویسندگان این اعلامیه، آنگاه مسئولین امور را مسورد انتقاد قرار داده و آنان را بر-

ای انجام این اقدامات ضد مردمی مورد سوال قرار میدهند. آنها مینویسند:

مسئولین جمهوری اسلامی باید به مردم پاسخ دهند چه دلیل، در زمانی که رژیم بعث عراق، بیاندهای جنایتکاران و بیسی، بختیار، کودتاگران ارتش و دیگر دوستان و جاسوسان امپریالیسم، برای به تکست کشاندن انقلاب ایران توطئه میکنند، بجای وحدت بخشیدن به صفوف خلق جهت مقابله با ضد انقلاب، تخم نفاق و تفرقه در بین صفوف متحد مردم میناشند؟ آیا مقامات جمهوری اسلامی میدانند که با اینگونه اعمال تنگ نظریه و انحمارطلسانه، تنها خشم و انحرار روسا را مینویسند و نوده های بیخاسته میهنان را سومی انگیزند؟

آیا آنها میدانند که اینگونه نه حرکات در اختیار سواد میر - بالیسم و دشمنان انقلاب تمام خواهند شد؟

در پایان، کانون فرهنگیان قاشمشهر ضمن برشمردن خطرات اینکار از جمله دامنه زدن به بحران بیکاری و محروم شدن دانش آموزان از دانش معلمان آگاه و انقلابی، اقدامات حکومت را مفا بر اصول ۲۵ و ۳۶ قانون اساسی مبنی بر امنیت شغلی معلمین و نیز حفظ حیثیت و آبروی آنان، دانسته و آنرا شدیداً محکوم کرده اند.

پس از حمله وحشیانه با سداران مزدوران حکومت و فریب خوردگان بنه نیروهای انقلابی در قاشمشهر، که حتی به جنگ خبا با نهی کشید، اینک بیش از هزار نفر از اهالی "مجاور محله" واقع در قاشمشهر با امضای نامه سرگشاده ای خطاب به رئیس مجلس، نسبت به تاخت و تاز او با شان ۳ بدیت در محله خود، اعلام جرم کرده اند. تلگراف آنها خطاب به رئیس مجلس چنین است:

اعلام جرم علیه او با نهی مسلح حکومتی!

تلگراف اهالی مجاور محله به ریاست مجلس در مورد حمله و هجوم او با نهی ۳ بدست

جناب آقای رئیس مجلس

تعبیرات که قاشمشهر، و خصوصاً مجاور محله مورد تاخت و تاز و تازهای از او با نهی قرار میگردد که تاکنون بر سر طایف رسی و نیز نیروهای انقلابی با آنان شده است. این بار نیز این مهاجران که از نقاط مختلف مازندران مانند بهبهان، ساری، بهابیل، بیستام و... جمع کرده بودند با حمایت رسی عناصری از سواد میران با بر تارت گاراه آرم و فرار از به مجاور محله گسیل داشتند. بسیاری از جوانان را دستگیر نمودند و به خانه هان حمله کردند و از هیچ کاری در مورد ما حمایت ننمودند. هنوز برای تظلم خواهی اقدام نشده بودیم که طبقه عده ای طیاره نماینده مردم قاشمشهر در مجلس ملی تلگرافی خواهان به دریا بختن ما میفرستد آیا برایتی در هنگامه حمله و هجوم بیگانگان به این صحن این اقدامات بیانگر چیست؟ آیا ایمان که بغل خودشان از دیگران با ظن شدیدند اینگونه باید حکم به دریا بختن ما را صادر کنند؟ آیا مردم ما جمع کثیری از مردم به شهر ما که محل را به دریا بختند؟ آیا وظیفه ایشان نباید ایجاد وحدت در صفوف مردم باشد؟ نه اینکه به نفاق و چنانی دین بسوزند.

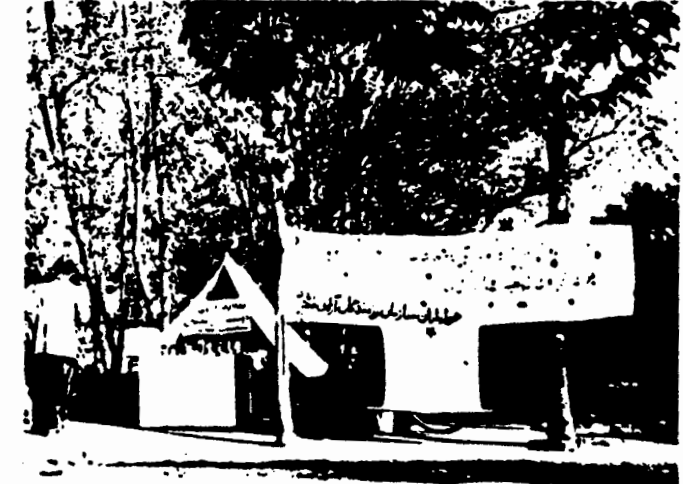
ما اهالی مجاور محله قاشمشهر که بارها مورد حمله و هجوم چنان بدستان اجیر شده از شهر های مختلف مازندران فرار کرده ایم از شما مجلس میخواستیم با ابرسان حقیقت مالتی به این محل و کلاً قاشمشهر مدعی کنید که آیا ما صحن میگوییم یا دیگران برای تظلم خواهی به کجا بمانیم و مگر گناه ما چیست؟ جز دفاع از اسلام انقلابی و فرزند رسیه اسلام.

این شهر تا کنون عقیقه داده است. اگر ما مقصود و اگر فرزندان مجاهد ما مقصود چرا عقیقه به ما حمله میگرد و جوانان ما را به خاک و خون میکشد؟ ضمن اعلام جرم مجدد نسبت به اینکه وایح خواهان رسیدگی و برساندن هیئت برای بررسی این سلسله حتم.

روحیت و ریزانه کیهان، انقلاب اسلامی
اهالی مجاور محله قاشمشهر
این متن به امضای بیش از هزار نفر از اهالی مجاور محله رسیده است.

تدارک هواداران سازمان برای مقابله با جنگ تجلوز کارانه عراق

بفعل لیت مشغول شده اند. آنها ضمن مراجعه به خانه ها، و معرفی خود بنام هواداران سازمان، انا عه نظرات سازمان در این زمینه، در بین مردم، ضرورت صف مستقل کمونیست ها و مردم را برای مقابله با این جنگ نشان داده و به جمع آوری کمکها، مال و ارومی پرداخته اند. قابل توجه است که برخسورد اهالی شهر به این اکیب همسایه را خوب بوده و با استقبال باورکا ملا فعا...



بیاض صفحه ۱

چرا مقاومت، چرا خروج!

سریمتر ارتش و پاسداران و در روزهای بعد در کنارتان به مقاومت و مقابله با حملات دشمن می پرداخت. این نبرد و یوم، مردم دلاوری بودند که با هر چه که به دستشان می آمد، و به اشکال مختلف در مقابل ارتش عراق و تصرف شهرها و خانه ها ایشان توسط این ارتش مهاجم مقاومت می کردند.

مردم شهرهای آبادان و خرمشهر بدون هیچ برنامه و نقشه معینی شهر را ترک نکردند و از روز دهم جنگ تنها ۱۰ - ۱۵ درصد از مردم در آبادان و خرمشهر حضور داشتند، که با نیروهای انقلابی و جنبش های مسلحی بودند که با هزاران بدبختی اسلحه خود را بیرون آورده و حفظ کرده بودند (اینکه می گوئیم حفظ کرده

بیمارستانها هیچ مکان رسیدگی به وضعیتشان را نداشته و احاطه آنها را نمی پذیرفتند. توده ها بارها خواستار اسلحه و مقاومت شده بودند، خواسته بودند اداره بسیاری امور را خود به عهده بگیرند، در شهرها بمانند و مقاومت کنند اما حکومت به جای برآورده ساختن این خواسته ها و فراهم نمودن امکانات دفاعی و تأمین جانی مردم و برنامه ریزی و سازماندهی مقاومت توده های به تلافی وقت و تدابیر ابتدائی مشغول بود و از این که ممساکان ابتکار عمل به دست نیروهای انقلابی و مردم بیفتند، به مردم اعتماد نمی کرد.

این چنین بود که توده مردمی که روزهای اول هر چه غذا داشتند به سنگرها می بردند و مبارزین دلبستر و انقلابی از زیادی این کمک ها نمی دانستند. با آنها چه کنند، ناچاراً مجبور به ترک شهر شدند و باز هم بدون هیچ برنامه ای و حساب و کتابی.

در این بین هر دو جناح حکومت سعی داشتند که از شرایط جنگ بیشتر برین

امام جمعه تهران آنگاه خطاب به تمام کسانی که برای حفظ جان خود شهرهای مرزی را ترک کرده اند بگویند: بعضی آن آتشی که شهرهای توار مرزی را ترک کرده اند و به خیال خود به جاهای امن گریخته اند، پیام می فرستیم. ای آتشی که خانه خود را ترک کرده ای، ای آتشی، حملات میزنند به آبادان که در خیابان شما و محله شما، سکوت و فترت و فترت حکم فرماید، در حالی که حملات دیگر آبادان نور حیات و نور جهاد حکم فرماید. مردم سنگر شهری گنجانند. ای آتشی که چندانها را می بینید، فرسها را جمع می کنید، از آواز و خرمشهر و آبادان و بیخه شهرها بطرف مرکز کشور می آید، کجا می روید آیا شما انتظار دارید آتشی که از خانه شما با جان راه دهند؟ (تکیه بر کلمات) صریح فرستاده است و همزستی با مردم گنجانده است. امروز که روزی خط است، سنگ را ترک می کنید؟

مردم برای افزایش مقاومت شهرها بیخ می شوند

آواز - خرمشهر و آبادان، سازمان خوزستان با انتشار اعلامیه ای اعلام کرد که کنگره انقلابی و مبارزین، اطلاعیه به کارکن ادارات، نسلان، ادارات و موسسات، انتظار شده در صورت عدم ولتی اشان خوزستان بمانند حضور در ادارات مربوطه به روزه لیست حضور و غیاب، برای طرقات زمان جنگ با آنها تکلیف خود را در اختیار بمانند.

بهره برداری سیاسی را بمانند. در روزهای اول جنگ هر دو جناح سراسیمه با بوق و گونا ارتش "تاجی" مردم را به مصاف با عراق فرستادند، ولی پس از آن سراسیمگی اولیه و هنگامیکه هر دو جناح خطر متناهی با دقت بیشتر به مسئله بیندیشند، بهتر است نتایج احتمالی جنگ را برای خود درک کردند.

لشکر آنها خوشحال از تقویت ارتش، تنها می تلاش خود را برای ادامه قدرت باسی آن بکار بردند. ولی جناح دیگر توان از قدرت گیری ارتش و نتیجه جناح سراسیمه، تلاش میکرد تا با بیخ توده ها و تبدیل جنگ به جنگی فرسایشی، قدرت

سازماندهی انقلابی مقاومت توده ای برای مناطق که در خطر اشغال قرار گرفته اند در اینست که برای دفاع از این مناطق و نیز حفظ جان مردم، باید برنامه حساب شده تنها آن عده از مردم که ماندن آنها برای دفاع ضروریست باقی مانده و بدرستی سازماندهی شوند. باقی مردم باید از این مناطق خارج شوند زیرا جان آنان برخلاف تبلیغات رژیم جمهوری اسلامی عزیز است آنها میتوانند به هزاران فعالیت مهم و ارزش رژیم در پشت جبهه مشغول شوند.

بودند بدین علت است که پاسداران رژیم و بسیج در آن مناطق نیز از اقدامات ضد خلقی خود دست برنداشته و دائم از مردم کارت اسلحه خواسته و در غیر این صورت سلاجهای آنها را ضبط می کنند. و با افرادی بودند که هیچ جایی بیرون از این شهرها نداشتند!

اما حکومت جمهوری اسلامی در مقابل چنین قهرمانی های مردم و بعد تخلیه شهرها چه کرد؟

این رژیم که چنین از پشتیبانی مردم و تکیه به آنان در دم می زند و این را امتیازی برتر برای خود نسبت به حکومت بعث عراق میدانند، در مقابل اشک اطعمان باقی مانده توده ها به خودش و مبارزان قهرمانانه نیروهای انقلابی و کمونیست و توده های آگاه چه سیاستی پیش گرفت؟

حکومت جمهوری اسلامی از همان روزهای اول، خواهان حضور تمام مردم در شهرند، بنی صدر در سربزه خوزستان مردم بی دفاع را که با هر وسیله ای شهر را ترک می کردند شتابت می کرد. آموزش و پرورش خوزستان از مصلحان می خواست در مدارس حضور با بند و گرنه حقوقشان پرداخت نمی شود! و استاندار و رادبوا هواز، کارگران راهبرگرا فرامی خواند. اما آیا هیچ کدام از این تدابیر برای نگهداشتن مردم در شهر موثر واقع شد؟ نه! چرا که کارگر به کارخانه می رفت و در هنگام حمله هوایی دهها رفیق خود را می دید که به علت نبود هیچ امکان دفاعی و امنیتی و همچنین نزدن سوت خطر در موقع لازم به شهسادت رسیدند و با به خانه خود می رفت و با جسد و فرزند و با همسایه زخمی اش روبرو میشد که

عدم توانائی عراق در تصرف شهرهای خرمشهر و آبادان در روزهای اول تنها به علت مقاومت توده های مردم بوده و پیشروی ارتش عراق تا داخل شهرهای سوسنگرد و حمیدیه نیز عکاسات از خیابان شیوخ عرب و فقدان تدارک مقاومت توده ای در این شهرها میکند و این به خوبی نقش مهم و موثر توده ها را در این جنگ، نشان میدهد. اما این مقاومت دلاورانه مردم شهرهای خرمشهر و آبادان (که هنوز نیز ادامه دارد) دیگر به آن شکل ابتدائی خود چند روزی پیشتر نمی توانست بساز دارند. پیشروی عراق باشد، چرا که با تغییر تاکتیک عراق برای تصرف شهرها و بمباران مناطق مسکونی و کارخانجات، دیگر مقاومت ساده مردم با آن وسایل ابتدائی به هیچوجه برای مقابله با بمبارانهای شبانه روزی توسط هواپیما، موشک، خمپاره و توپ کافی نبود. در این شرایط دیگر حضور مردم در شهرها تنها در صورت ایجاد دیناها گاهها، اعلام خطر به موقع، رسیدگی به وضع زخمی ها و مهمتر از همه با تبلیغ و تشکل عالیتر مقاومت توده ای امکان پذیر بود.

آری توده ها می باید مستمحل شوند تا با تکیه به سلاح خود در شهرها نند تا تحت شرایطی، حتی اگر عراق شهرها را تصرف کند نیز، به جنگ مقاومت شهری به مقابله با آن بپردازند. اما با افزایش روزگزار و نخطر برای مردم، و انجام نگرفتن هیچگونه اقدامی برای حضور موثر آنان در شهر، جلوگیری از مسلح شدن آنان، خراب بودن وضع بیمارستانها، اخبار دروغ و نبودن هیچ نوع امکان امنیتی و تدافعی.

چرا مقاومت...

خوبش را تحکیم نماید. این جناح از سوی تمام کوشش خویش را بکار میبرد تا از ورود نیروهای انقلابی و کمونیست بدون مغفوب خویش جلوگیری و تنها کاستی را مسلح سازد که از هفت خوان تفتیش عقاید بسج گذشته اند و از سوی دیگر به حضور مردم در شهرها نیاز داشت. تا ارتش در فردای پیروزی تمام افتخارات و امحاء نشود و از همین روست که امام جمعه تهران در نماز جمعه ۱۱ شهری می گوید: "به همه آن اقلیتی که شهرهای نوار مرزی را ترک کرده اند و به خیال خود به جاهای امن گریخته اند، پیام می فرستم. ای آقایانی که خانه خود را ترک کرده اید، ای آقایان معلات اعیان نشین آبادان که در خیابان شما و محله شما، سکوت و غبار مرگ حکم فرماست، در حالی که معلات دیگر آبادان نور حیات و نور جهاد حکم فرماست. مردم سنگر شهری کننده اند. ای آقایانی که چمدان را می بندید، فرش ها را جمع می کنید، از اهواز و خرمشهر و آبادان و بقیه شهرها به طرف مرکز کشور می آید. کجا می روید؟"

آری امام جمعه تهران مطابق معمول آشکارا دروغ می گوید و به مردم قهرمان این شهرها در حالیکه نمک از جای گرم بلیند میشود، توهین کرده و عده ای از توده های ناآگاه را علیه آنها برمی انگیزاند. آیا ۲۹۰ مردم خاچنده از شهرها از اعیان و اشراف هستند؟ آیا اعیان و اشراف شهری از آنها بیشترند آنها هم که چند هفت قبل از آنکه بوی جنگ را بشنوند فرار کرده اند؟ تمام مردم قهرمان این شهرها، محل کار و زندگی خود را ترک کرده اند و این نه بخطر نفس آنها بلکه به علت آنست که هیچ چشم اندازی برای مقاومت و رعایت مسائل امنیتی و تدافعی از سوی رژیم جمهوری اسلامی نداشتند. نه مردم آبادان و خرمشهر نترسیدند و توده هادر کنار یکدیگر هیچگاه نمی ترسند. اتفاقا مقامات جمهوری اسلامی که تحت عنوان "قیش شهادت" و "رفتن به بهشت" آزرشی برای جان مردم قائل نیستند نه در تمام مدت طولانی قبل از جنگ اقدام موشری برای حفاظت از جان مردم انجام دادند و نه در طول این جنگ. اما آنها انتظار دارند که تمام مردم طبرقم این بی توجهی و حرص و ولع مرتجعانسه

بقیما صفحه ۱۸

آنکه نیروهای پیشمرگه از شهر خارج گردیده بودند، خمپاره باران شه قطع شد و جنایات ارتش و پاسداران همچنان ادامه داشت. تنها در روز ۵۷۷/۶ حداقل ۵۰ هزار مردم بی دفاع شهادت رسیدند. جنازه بسیاری از شهدا را در حیاط مساجد دفن کردند. هنگامیکه کمپ پزشکی مستقر در شهر و خورشید به پادگان اطلاع داد که در صورت ادامه خمپاره باران بیماران ادامه مداوای زخمیها ممکن نیست، فرمانده پادگان پاسخ داد: "پدر سوخته ها هنوز زنده اند... و بعد بلافاصله بر شدت خمپاره باران آن منطقه افزودند."

در همین روزها مددگاران با پسر مردی روبرو شدند که چندانکه شده، فرزندش را در یک گونی گذاشته بود و دنبال جایی برای دفن آن میگشت. مردم بی دفاع محله کوپین آباد در زیر آتش خمپاره و توپ ارتش با منهای متوالی تلاش کردند تا جنازه شهیدای خود را جمع کنند ولی تنها توانستند ۳ جنازه را با خود ببرند. و این تنها نمونه ای از یک روزهای نبردنا برابری و تحملی بی مردم میباشد. اکنون چند روزی است که ارتش و پاسداران ارتجاع بر نقاطی از شهر مسلط شده اند و پیشمرگان جنبش مقاومت در خارج از شهر به سر میبرند. طبق اخبار رسیده نیروهای سرکوبگر

دشمن قصد با زسی منازل و دستگیری مردم را دارند. پیشمرگان سازمان ما همچنان نگاه اکنون در همه جبهه های نبرد فعالانه شرکت دارند و با همه توان نظامی خود به دشمن ضربات کاری وارد میازند. در مها با دم اجازه نخواهند. ادسرو بگرا با خیال راحت به دستگیری و شکنجه مردم میپردازند. مردم دلیر مها با دبا سابقه طولانی مبارزه همگام با مردم قهرمان سنندج و دیگر شهرهای کردستان به همراه پیشمرگان خود با ادامه مبارزه سرا. نجام سرکوبگران را بهزاند و درخواهند آورد.

نقل از خبرنامه کوه لاله شماره ۸۱

بقیما صفحه ۱۸ آیامردم...

دومی نیز بلافاصله پیشمان شد! خلاصه اینکه هیچکس حاضر نبود به کردستان برود! میان سربازان بر سر این مسئله بحث در گرفت. یکی از سربازان برای بقیه استدلال میکرد که "حاضر نیست با هم میهنانش بجنگد و برای مبارزه

با متجاوزین عراقی آمده است" در این موقع یک فالانز خطاب به او اظهار داشت که تو میترسی! اما سربازا پاسخ داد که خودش داوطلب جنگ شده و با کمال میل حاضر است که در خوزستان بجنگد. اما هرگز دستش را به خون براندان کرده بود میخواهد کرد!

نتیجه این بحث خیلی خوب بود. سربازان با آنکه غالباً کم سواد بودند، اما سیاست خدا انقلابی حکومت در سرکوب زحمتکشان کردستان را بخوبی درک میکردند و به هیچ وجه حاضر نبودند که به کردستان اعزام شوند!

برای جلوگیری از اینکه ابتکار عمل به دست نیروهای انقلابی و توده مردم به افتد به دادگاری میپردازند. سازماندهی انقلابی مقاومت توده ای برای مناطقی که در خطر اشغال قرار گرفته اند در اینست که برای دفاع از این مناطق و نیز حفظ جان مردم، با یک برنامه حساب شده تنها آن عده از مردم که فاندن آنها برای دفاع ضروری است باقی مانده و به درستی سازماندهی شوند. باقی مردم باید از این مناطق خارج شوند زیرا جان آنان برخلاف تبلیغات رژیم جمهوری اسلامی مزبذاست و آنها می توانند به هزاران فعالیت مهم و با ارزش در پشت جبهه مشغول شوند. مردمی که با سازماندهی و مسلح در شهرها باقی میمانند میبایست بطور انقلابی در بکار بردن خلاصیت و ابتکار خود آزاد باشند. مقامات جمهوری اسلامی درصت از این ابتکار و خلاصیت می

هراندوز مسلح کردن و متشکل کردن وسیع مردم وحشت دارند. بخصوص آنها از این وحشت دارند کنه کمونیستها و دیگر انقلابیونی که در میان توده و با آنها زندگی میکنند توده ها را برای یک مبارزه سازمان یافته متشکل، هدایت کنند و ضعف و ناتوانی جمهوری اسلامی را به آنها نشان دهند. اما نیروهای انقلابی ملی رفیق تمام حرص و ولع های مذبوحانسه! مقامات جمهوری اسلامی در میان توده ها فعالیت میکنند آنها را در مقاومت در مقابل تجاوز به متشکل شدن و مسلح شدن جهت دفاع از انقلاب خودیاری میکنند. زیرا با چنین تلاشها نه روزی است که میتوان تجاوز را شکست داد و در همین حال بطال آن تبلیغات وادماهای مرتجعانه جمهوری اسلامی را در مورد ما هیت خودش و در مورد واقعیت اهداف و فعالیتهای نیروهای انقلابی را برملا ساخت!



کردستان قهرمان

حکومت با عدم اجرای تعهدات هیئت ویژه برای اخراج پاسداران، اعزام ستونهای متعددی به مهاباد به منظور تمویض که هدف اصلی از آن تقویت و ایجاد پایگاههای ارتش در نیه های اطراف شهر، تربیت گروههای تروریست و بمب گذاری در اماکن عمومی و اجتماعات و کتار مردم بیدفاع، تیراندازی های مکرر سیاه پاسداران سوی اتومبیلهای پیشمرگان در داخل شهر و بشهادت رسانیدن عده ای از آنان، محاصره اقتصادی و جلوگیری از ورود هر گونه مایحتاج روزانه، همگنی مقدمات جنایاتی بودند که هیئت حاکمه در روزهای اخیر

در مورد مردم قهرمان و مبارزان مهاباد انجام رساند.

علیرغم خود داری مرام نه نیتروهای جنبش مقاومت از ایجا دهرگونه درگیری در مهاباد آنها توطئه های خود را قدم به قدم به پیش میبردند و در جهت اجرای طرحی که از ماها پیش برای آن تدارک دیده بودند حرکت میکردند.

اگر رژیم در دشمنی با مردم مهاباد هر چه در توان داشت بکار انداخت مردم مهاباد نیز با روحیه ای پر شور و انقلابی سرخ و استوار در مقابل جنایتکاران حاکم ایستادند. از قربانی دادن، نهرا - سیدند و سر تسلیم فرود نیارند. دند. آنها گروههای امجداد تشکیل دادند. درهای منازلشان را بر روی پیشمرگان گشودند و آنها را در تنگیهای موانع دشمن باری دادند. همکاری و همگامی صمیمانه مردم سرانجام در روز ۲۲ / ۷ / ۵۹ منجر به بیرون راندن سرکوبگران از همه موانع خود گردید بدنیال این پیروزی کم نظیر که در آن مردم مبارز مهاباد نیز سهم بسزایی داشتند با وجود پیغمده صفحه ۱۷.

آیا مردم هم مانند حکومت، هدف جنگ کردستان را با عسراق یکی میدانند؟

به شکل داوطلبانه تقسیم شوند. مناطقی که سهمیه داشتند عبارت بودند از خوزستان، کردستان، آذربایجان، منطقه یک استان مرکز و بوشهر. هنگامیکه نوبت به تعیین داوطلب برای اعزام به کردستان رسید، از ۵۵ نفر سرساز منقذی خدمت فقط دویست نفر داوطلب شدند. یکی از این دویست تمذیق همه فرد دیوانه ای بود که عقل درست و حسابی نداشت و پیغمده صفحه ۱۷

بیش از پانصد نفر از جوانانیکه منقذی خدمت سال ۵۶ بودند، روز سه شنبه ۲۲ مهر در بیدگان زندان مرمری واقع درونک جمع شده بودند تا به جبهه اعزام شوند. آنها یک دوره یک هفته ای آموزش را گذرانده بودند و در این روز قرار بود در جبهه ها تقسیم شوند. استداقرار بود که تقسیم امراد بصورت قرعه کشی انجام گیرد، اما سرسازان با این وضع مخالف کرده و مایل بودند تا

مهاباد

ارتش و حشیانه و با تمام نیرو همچنان شهر را با سلاحهای سنگین درهم میکوبند!

ارتش مستقر در رسته "داشا مجید" شهر راز و سیر باران توپ و خمپاره گرفت. در محله ارمنیان اما - بت خمپاره ۷ تن از اعضای یک خانواده را بشهادت رسانید. همچنین محله "مجموعه آب" بشدت زیر آتش توپ و خمپاره ارتش قرار داشت که در اثر آن خانه های زیادی ویران گردید و ۱۵ نفر از مردم بیدفاع شهید شدند. سینما آریا و گرمابه مولوی در این سرور سوسله ارتش به آتش کشیده شد.

۵۹/۷/۲
در این روز خمپاره باران شهر همچنان ادامه داشت و عده ای دیگر از مردم بیدفاع شهید و با زخمی گردیدند.

۵۹/۷/۲
در این روز یک فروند هلیکوپتر جمهوری اسلامی - شهر را به راکت بست که در نتیجه آن ۲ نفر شهید و عده ای زخمی گردیدند.

۵۹/۷/۵
توانکهای مستقر در نزدیکی روستای "یوسف کد" خانه های کارگری کوره پزخانه های "قم قلعه" را تسخیر کردند و تعداد زیادی از این خانه ها را ویران نمودند. همچنین در این روز نگهبان سردخانه "مکر" در اثر اصابت خمپاره بشهادت رسید. پس از این جریانات با وجود اینکه پیشمرگان شهر را ترک نموده بودند، خمپاره باران همچنان ادامه داشت. طی روزهای اخیر دهها نفر از مردم بیدفاع شهر شهید و با زخمی گردیدند. هدف رژیم از این وحشیگریها درهم شکستن روحیه مبارزاتی مردم این منطقه است تا بیداری مردم کردستان در مقابل این سرکوبها نشان داده است که آنها تا چه اندازه از تنگی آنچه که در درون این خلق در جریان است عاجزند. استقبال روستاها و اطراف مهاباد از آوارگان شهر کم نظیر است. آنها همه امکانات خود را در اختیار آوارگان و هم چنین پیشمرگان قرار میدهند. روحیه عالی مردم با وجود تحمل این همه محاقب نوید بخش آینده، پیروزند و مبارزه عادلانه است.

پیرانشهر ۵۹/۷/۵

ساعت ۵ بعد از ظهر این روز هوا بیماهای رژیم جمهوری اسلامی بمب های خود را بر مردم زمختش و بیدگان روستای "هنگوی" فروریختند و شمره سالها زنج و زحمت مردم این روستا را به برانی کفا - نندند. در این عمل و خشیانه ۱۲ تن شهید و عده زیادی زخمی گردیدند. بخش اعظم ملوفه روستا به آتش کشیده شد. بیختر خانه ها ویران گردیدند. رژیم جمهوری اسلامی در این مدت توانایی خود را در رویارویی با مردم بیدفاع نشان داده است. برای آنها فرق نمیکند بمب ها بچنان را بر سر شهرها و روستاهای عراق فریبزند یا خلق کرد را در کردستان ایران بمک و خون بکشند. همان کاری که بمبش های ضد خلقی در مورد روستاهای کردستان عراق بارها مرتکب شده اند و اکنون در بمباران شهرها و روستاهای ایران آسرا تکرار میکنند.

خبرنامه کومله

انحاد پولادین کارگران و زحمتکشانشان نظام پوسیده سرمایه داری وابسته را درهم خواهد کوبید!

ضمیمه ۲
اپورتونیزم چپ در برخورد به جنگ
 نقدی بر نظرات رفقای پیکار

● سیستم سیاسی ایران چیزی جز یک بلوک نامتجانس با همزونی خرد بورژوازی برهمنشی نبوده است اینست آنچه که پیکار تا قبل از جنگ به آن اعتراف داشت و امروز بنام مصلحت انقلابیگری خرد بورژوازی خود متکران میشود و ویژگی این سیستم ساسی به علت آن همزونی همانا عدم تعاقب آن با مقتضیات سرمایه داری وابسته و سلاسه امریالسم بوده است.

● سیر تحولات جامعه نشان میداد که تنها قائل شدن خصمت دوگانه برای خرد بورژوازی حاکم است که می تواند توضیح دهنده حرکت های سیاسی آن باشد. هم اتحاد با بورژوازی را توضیح دهد و هم ضدیت نسبی با آن را، هم انقلاب فرهنگی را توضیح دهد و هم اشغال سفارت و
 ۱۱

● اپورتونیزم چپ پیکار درست در چنین مقاطعی بروز میکند که نفس ارتجاعی بودن یک جریان (حاکمیت عمدتاً خرد بورژوازی ایران) را بایه تاکیک خود می نماید. با عای که تروتسکیسم نیز خود را به آن متکی میکند حال اینکه پیکار چگونه همین اتهامات را به رزمندگان اساله میداد و خود چون نیاط در کوزه افتاد بحث دیگری است.

● ما این جنگ دفاعی را مادام که حالت تدافعی و مقاومت در برابر تجاوز عراق دارد اولاً بخاطر آرایش طبقاتی طرفین آن و گذشته و امروز سیاستهایی که به آن منجر شده است و آن صف بندی طبقاتی که در داخل و در سطح بین المللی بر اساس آن تشکیل شده است تائید میکنیم و ثانیاً با سیاست شکست تجاوز و افسای اهداف حکومت خود و کوشش برای خشن نمودن خطرات ناشی از جنگ (تدرت گیری بورژوازی) در آن شرکت میکنیم و این سیاست را در حد امکان خود در تبلیغ، ترویج و سازماندهی بکار خواهیم برد.

در سازمان پیکار غلبه دارد برای همیشه معلوم خواهد نمود. زیرا این تاکتیک از لحاظ تشویک یک نقطه عطف در جنبش کمونیستی است که همین پایان یک دوره سرگشتگی، زیگزاگ و تجربه مبارزه است برخورد به نشانی جنگ اکنون از احاطه تعیین تاکتیک منجم و فعال برای روشن شدن بقایای اپورتونیزم چه اهمیتی فوق العاده میباید و به این خاطر برخورد به "پیکار" که متبلور کننده چنین اپورتونیزمی است کمک فراوانی در این مورد مینماید.

بر علیه تجاوز عراق و عدالت شرکت نموده ها در آن منتشر شد بلافاصله با اتهام دفاع طلبی از جانب "پیکار" مواجه گشت. "پیکار" با تشویق کردن نظرات خود در واقع آن منبره بیست و هفت روز چند زیگزاگ و آب خوردن را اینجا به ما پس گذارد و در قالب یک تاکتیک کاملاً اپورتونیزمی و چپ روانه به مبلغ اپورتونیزم چپ تبدیل گشت. اما این تاکتیک اینبار نمیتواند یکی از زیگزاگهای متناوب رفقای سازمان پیکار باشد. این تاکتیک است که سرنوشت گرایشات اپورتونیزمی چپ را که اکنون

تغییرات کتیک در مقابل جنگ اخیر اکنون به سنگ محک اعتقادات واقعی جریانهاست مختلف نسبت به گذشته، حال و آینده. تحولات طبقاتی جامعه تبدیل شده است. مسئله جنگ که از بسیاری از مسائل بین المللی و داخلی مربوط به آن را در خود نهفته دارد بخاطر پیچیدگی و ظرافتی که در تدوین سیاست در مقابل آن لازم است یکی از بهترین فرصتهای شناخت از متدولوژی و تاکتیک جریانهاست مختلف است. از هنگامیکه سازمان ما نظر خود را در برابر قائل شدن جنبه عادلانه برای جنگ

۱- شناخت جنگ:

تبدیل میکند. (تاکید از ما است) مانیزخن را از این نکته اساسی آغاز میکنیم، که جنگ محصول و ادامه چه سیاستی توسط چه دولت و کدام طبقه قبیله از جنگ بوده است؟ پاسخ به این سؤال است که در واقع تحلیل مشخص از یک جنگ مبین، تشکیل میدهد و بر اساس آن میتوان تفاوت میان جنگها را تشخیص داد. ما اگر میخواهیم وایما پیکار بر تحلیلهای خود که تحت آن در نظام مبارزه طبقاتی جاری در جامعه در طول قریب به دو سال ثابت

ادعای اعتقاد به آنها را نموده است کار او را به اپورتونیزم میکشاند. رفقای پیکار به لندن استناد میکنند (جنگ و انقلاب): "چگونه میتوان یک جنگ را شناخت، هرگاه آن حک ادامه سیاست قبلی آن دولت معین، سیستم دولتهای معین و آن طبقات معین در نظر گرفته نشود؟ تکرار میکنیم این یک نکته اساسی است که غالباً ما دیده گرفته میشود. عدم درک این نکته به دهم تمامی مساحت درباره، حک را صرفاً به مشاخرات و سخن پردازیهای سی مسورد

سازمان "پیکار" در تدوین تاکتیک انحرافی خود دست به تخصص فراوانی در متون تشویک زده است. کوشش او از این لحاظ قابل تحسین است اما درسطح زبر که تمام از همان تفصیلات رفقای پیکار استفاده میشود نشان داده میشود که چگونه همان استنادها به رد تاکتیک "پیکار" منحرف میشود و لذا استفاده از این استنادها با توجه به تحلیلها بی که پیکار خود را به حال

سده است‌های سندنما شیم، فراموش نکرده -
ایم که "قبل از جنگ" در ایران قدرت جا -
کمه بصورت یک بلوک سیاسی بورژوازی
لیبرال - خرده بورژوازی مرفه سنتی وجود
داشت. بلوکی که بدنیال قیام ۵۷ روی
کار آمد. مابدرستی و با مشاهده سبب
تحولات جامعه و تحولات درون حکومت
این بلوک را با متجانس ارزیابی میکردیم
که قدرت اصلی آن در دست خرده بورژوازی
حاکمی بود که در طول یکسال ونیم بعد
ارقیام برای قبضه نمودن قدرت صوری نیز
حرکت مینمود. بطوریکه عاقبت قدرت را
قبضه کرد.

ما قبل از اینکه بحران ثنور بک
اخیر جنبش کمونیستی بر سر مسئله جنگ
پیش آمد در تحلیل از تحولات جامعه بدرستی
نتان میدادیم (از جمله در مقاله "بورژوا -
ازی یکسال ونیم بعد از قیام") که مناس -
سات میان جناح های بلوک چند دوره را
از سر گذرانده است. ابتدا دوران ۹ ماه اول
حکومت دوران کابینه، موقت بازرگان که
درواقع مقامات دولتی در دست بورژوازی
لیبرال است و طبعاً و عا ملاً، بطور عینی و
ذهنی در جهت بازسازی اقتصادی و سیاسی
نظام سرمایه داری وابسته و احیا، روابط
قانونی "با امپریالیسم حرکت میکند.
این دوره بار شد مبارزه طبقاتی توده های
زحمتکش تشدید تناقضات درون حکومت توأم
بود با اشغال سفارت پاپان بافتی مبنی
بورژوازی لیبرال از لحاظ سیاسی از
موقعیت خود ماقط گردید.

تا کتیک چپ روانه ای که همگان
موقع در قبال مسئله اشغال سفارت رایج
گشت (و بعداً مورد انتقاد قرار گرفت)
اینگونه متجلی میشد که اشغال سفارت
مشکوک است و عملی ضد انقلابی است. زیرا
ابتکار آن در دست محافل هیات حاکمه و سیا
جربانات وابسته و وفادار به آن بوده و در
جهت فریب توده هاست و قس علیهذا، مطالعه
بعدی اثرات او جگنبری مبارزات ضد امپری -
الیستی مردم که اشغال سفارت نقطه -
عطفی در آن بودند نشان داد که برای اتخاذ
تا کتیک درست پیش از آنچه که به انگیزه
این و آن توجه نمودا بدنه تا شبر مسئله مورد
نظر در روند مبارزه، طبقاتی نبوده کرد. از
این لحاظ اشغال سفارت چون به انزوای
بورژوازی و تعمیق آگاهی توده و ایحاد
زمینه، مناسب تنکل و تعمیق مبارزه
طبعاتی مناسباً میدمیست مورد تاشید
و استقبال انقلابیون قرار میگرفت. افشا
گری ما سر علیه حکومت هم میبایست درست
از همین زاویه ادا می یافت.
در مورد تحلیل از ریشه های طبقاتی

جریان اشغال سفارت و مسایل بعد از آن
(مسئله گروگانها، قطع رابطه با آمریکا...)
ما نباید تنها جریانی بودیم که بصراحت
و از موضع انقلابی به خصویات و عملکردهای
ضد امپریالیستی خرده بورژوازی حاکم
اشاره میکردیم و ریشه طبقاتی ضدیت آنرا
با امپریالیسم به این طریق توضیح
میدادیم. بصیارت دیگر خصلت ضد انقلابی
خرده بورژوازی حاکم برای ما کافی ضدیت
آن با امپریالیسم نبود. و نیز حاکمیت
سیاسی این خرده بورژوازی که حاکمیتی ضد
انقلابی بوده و هست را بمعنوم پایان خصلت
ضدیت آن با سرمایه انحصاری چه از لحاظ دا
خلي (تفاد با بورژوازی) و چه خارجی (تفاد
با امپریالیسم) نمیدانستیم. این خصلت
دوگانه، خرده بورژوازی به از "التقاط"
بلکه از واقعیت خرده بورژوازی آن بر می -
خاست که هم از لحاظ ثنوریک در ما رکسیم
و هم از لحاظ پراتیک محض طبقاتی در جا -
معه ما کما ملا حقیقت دارد.

بر خلاف جریانی نظیر "راه کارگر"
که حضور خرده بورژوازی در قدرت بر اساس
بل هم نبود ما به ثنوری کاس موصول
نمیشویم و محور خرده بورژوازی در قدرت و
تناقضات بلوک حاکم را واقعیت موحسول
میدانستیم که سادگی روبه باسان
نمیروید. و بر خلاف "پیکار" که خرده بورژوازی
حاکم را ضد خلق نمیدانست و بر تفاد حصرده
بورژوازی با سیستم سرمایه داری وابسته
تکیه میکرد ما ضمن تشخیص این تفاد در عین
حال این خرده بورژوازی را با یادار سیستم
در مقابل انقلاب میدانستیم و بهمین

خاطر او را ضد خلق هم ارزیابی میکردیم. و
بالاخره بر خلاف رفقای پیکار که زمانسی
ما را به چپ روی منتهم میکردند که چرا وجه
و عدت خرده بورژوازی حاکم با سرمایه داری
ری را عمده میکنیم. ما خرده بورژوازی -
فهرانه متحد طبیعی پرولتاریا در
انقلاب آینده بلکه از نظر استراتژیک
نیروی بینا بینی ارزیابی میکردیم که
حاکمیت آن معنایی جز حاکمیت ضد انقلابی
نمیدهد.

سیر تحولات جامعه نشان میداد که تنها
قابل شدن خصلت دوگانه برای خرده بورژوا -
ازی حاکم است که میتواند توضیح دهنده
حرکتهای سیاسی آن باشد. هم تفاد با
بورژوازی را توضیح دهد و هم ضدیت سیاسی
با آن را. هم انقلاب فرهنگی را توضیح
دهد و هم اشغال سفارت را.....

از هنگا میکه بورژوازی لیبرال به
موقعیت مغلوب در حکومت درآمد (اشغال
سفارت) تا هنگا میکه عدم موفقیت بنیهدر
در بدست گرفتن مسالمت آمیز قدرت واقعی

مجل گشت (تشکیل مجلس و انتخاب نخست
وزیر) امپریالیسم امریکانگران و مغطرب
به تا کتیکهای احتیاط آمیز ما تدریجاً
جدی تر و خشن تر سر علیه حکومت دست زد (قطع
رابطه، معا صره افتما دی، ما جر ای طیس و...)
و در این ضمن ضد انقلاب مغلوب فعال تر
و حمایت شده تر در صحنه حاضر گردید. توطئه
کودتای نوزده نشان دهنده عمق اضطر اب
امپریالیسم از روند تحولات درونی ایران
بود؛ روندی که در ادا مه خود آینده ای جز
رشد انقلاب علیه جمهوری اسلامی و با سمت
گیری این جمهوری بسمت ثنوری (نظیر
لیبی) نداشت روندی که بصورت سیر ای
امپریالیسم امریکا غیر قابل تحمل می
شود. (رجوع شوده به مقاله "خرده
بورژوازی حاکم تمام قدرت را می خواهد".

رزمندگان شماره ۲۲، ۶ مرداد
دستها آینده ایران بلکه وضعیت
خود هات حاکمه که دست به تدور انقلاب
اسلامی در مسقطه سیزده برای کشور های
منطقه را امپریالیسم غیر قابل تحمل بود
ر سراسری و هم خصلت بد کمونیستی آن
در عین حال ساس و عملکردی بر علیه
امپریالیسم و ارتجاع حاکم بر کشورهای
منطقه داشت. "خرده این" تدور انقلاب
اسلامی از لحاظ تاریک مدت و در مقابل با رشد
دمکراسی انقلابی برای امپریالیسم بود
آور بود آن مکانج آتی و روز مره امپریا -
لیسم و حاکم های ارتجاعی منطقه راه
خطر مبادعت. این مسئله نیز بمنسوان
یک ساست "قبل از جنگ" توسط ما تشخیص
داده شده بود (رجوع کنید به مقاله "مدور
انقلاب اسلامی").

(رزمندگان شماره ۲۵، ۲۷ مرداد)
با شکست کودتای نوزده مادر سیر
مقاله ها و تحلیلهای مندرچدر "رزمندگان"
متذکر میشدیم که نه امید بستن به آینده
بورژوازی حاکم (بطور مسالمت آمیز) و نه
امکان کودتاهای یکدم برای امپریالیسم
دیگر کاربرد ندارد و امپریالیسم ناچار
به اتفاد روشهای دیگری از جمله استفاد
از تدارکات گرد آمده در مرزهای ایران برای
تجاوز به ایران و پیشبرد مقادش از این
نظریق است. ما حتی در چندین شماره خط
ضد انقلاب مغلوب را گوشزد نموده و خواستار
اتحاد عمل بر علیه آن گشتیم. سیر تحولات
هدعت پیش بینی ما را تاشید کرد. اگر چه ما
جزئیات حرکت امپریالیسم امریکار انسی
توانستیم پیش بینی کنیم، اما سیر عمومی

رجوع شوده به مقاله های رزمندگان
از شماره ۲۱ (سی تیر) به بعد بویژه
شماره های ۲۷ و ۲۰

کتابخانه
سازمان آزادی
طبقه کارگر

کتابخانه
سازمان آزادی
طبقه کارگر

ندیده، انقلاب دمکراسیک که پیکار ما را به عدول رفوانس آن منتسب میکنند نمی افتاد! اپورتونیسیم چپ پیکار درست در چنین مقاطعی بروز میکند که نفس ارتجاعی بودن یک حزب (حاکمیت عمدتاً خرده بورژوازی ایران) را پایه تاکنیک خود مینماید. پایه ای که تروتسکیسم نیز خود را به آن متکی میکند حال اینکه پیکار چگونه همین آنها - مات را به رزمندگان احاله میداد و خود چون خیاط در کوزه افتاد بحث دیگری است اما این پیکار راست که میگوید:

"... توده های استثنای رزومه را از این حکم بهره ای نیست. حال آنکه برعکس تمام اقتضای استثنای رکنده از خرده بورژوازی مرفه گرسنه تا سوزواری کمپرادور در دفاع از "سپن" سوزواری دی نغمند." (ص ۱۵۸ ص ۱۵۹) اگر پیکار میان خرده بورژوازی مرفه و سوزواری انحراری که در دوسوی متقابل جنگ هستند تفاوتی قائل نمیشود در تنا - کنیک خود زنده، استثنای رزومه دعوت به تبدیل جنگ به جنگ داخلی مینماید، این مفهومی جز چپ روی کودکانه پیکاری که تا دیروز "رزمندگان" را با خاطر تمسین استرا - توی سرنگونی بورژوازی و نظریات سرمایه داری وابسته مورد حمله قرار میداد نداورد.

با چنین مطلق نمودن ارتجاعی بودن خرده بورژوازی حاکم، مطلق نمودن استثنای رکنده بودن خرده بورژواری مرفه، دفاع این خرده بورژوازی از سرمایه داری وابسته در مقابل انقلاب است که پیکار تئوری خود را در مورد تحریم جنگ و تبدیل آن به جنگ داخلی تدوین میکند. و این مطلق نمودن یعنی ندیدن تفاوت این خرده بورژوازی با سرمایه انحراری و امپریالیسم، یعنی ندیدن تضاد میان استثنای رکنده با استثنای رکننده، بزرگتر و خطرناکتر و لذا در نهایتاً تناقضی که حاکمیت این خرده بورژوازی با نظام سرمایه داری وابسته دارد. و کسیکه اینگونه مطلق گرا باشد (و البته در مورد پیکار بنا به مصلحت مطلق گرا شده است زیرا تا دیروز طرفدار همه جانبه نگری بود)، نخواهد توانست تشخیص دهد که در منازعه میان خرده بورژوازی حاکم که رکن اصلی قدرت جمهوری اسلامی است با امپریالیسم و وابستگان داخلی و خارجی آن چگونه باید عمل کرد.

تئوری پیکار با این تناقضات و تضادهای متفاوتها کاری ندارد، مادام که رژیم حاکم ایران علی رغم هر گذشته و حال و آینده ای که دارد و خواهد داشت و علی رغم هر ترکیب طبقاتی آن، مادام که ارتجاعی است، جنگ محکوم است. با چنین چپ روی

است که پیکار میگوید:

"دفاع طلبان" "شاکت در این جنگ هر چند تحت عنوان "دفاع از انقلاب" عملاً (و این مهم است) بهمان انحراف افتاده و به رویزیونیسم گرایش مینمایند" (صمیمه ۷۵ ص ۲ تکیه از ما ست).

و معلوم نیست که اگر ما بخواهیم همینهم که پیکار "عملاً" (که از نظر پیکار مهم است) به کدام انحراف افتاده و به چه چیز گرایش مینماید، با توجه به شمار تبدیل جنگ به جنگ داخلی و برگرداندن

لوله تفنگها بسمت حکومت خود "چه باید بگوئیم؟ انحراف بسمت بخنبارها و...؟ گرایش بسمت رادیکالیزه کردن...؟"

اپورتونیسیم رفقای پیکار در

تحلیل از شرایط مشخص

ما شرایط مشخصی را که به ما اجازه این همسویی با جمهوری اسلامی را میدهد ذکر کردیم. ظاهراً پیکار بطور کلی با تحلیلی که ما از بلوک حاکم داشتیم و داریم، تا قبل از جنگ موافق بوده است و حتی در گزارشی که رکنگروه دوم خود تحلیلها

بی را که در مورد بورژوازی بودن جناحهای حاکم در ارگان خود جدیداً آورده بود تصحیح نمود. ظاهراً پیکار را بر خورد چپ روانه ای که خود او سردمدارش بود (در مورد اشغال

سعادت) تلویحاً انتقاد مینمود. و تا قبل از جنگ "شاعر مرگ بر امپریالیسم آمریکا دشمن اصلی خلقهای ایران" را از بسبب تشریح خود میساخت و حتی تا پای "مسدود انقلاب الزاماً مدخل نیست" هم میرفت. ظاهراً پیکار آنچنان از چپ روی ناراحت بود که بما بخاطر عمده کردن وجه وحدت خرده بورژوازی با سرمایه داری وابسته "انتقاد" میکرد. آری ظاهراً پیکار تا قبل از جنگ (صرف نظر از انحرافی که در هر تصحیح خود داشته) خود را تصحیح میکرد. اما هیئات که جنگ فرصتی برای اپورتونیسیم چپ پیکار گردید و تحلیل مشخصی او را که در طول یکسال و نیم بتدریج و بزنگاگ و ارتدوین میکرد به یکسو نهاد.

اکنون برای رفقای پیکار سیاست رژیم قبل از جنگ تنها یک مفهوم دارد و آن اینست که:

"رژیمی در ایران حکومت میکند که از ابتدای "عص" قدرت در قیام سپه ماه از همکنش قیام کسده ایران حریم احیای نظام سرمایه داری و وابسته امپریالیسم مکر و عمل نکرده و در مقابل کارگر - ان دهقانان و رزمندگان شهری از سرمایه داران و استعمارگران دفاع کرده است."

این رژیم خملت ارتجاعی داشته و در نتیجه سیاست آن سیر نمیتواند ارتجاعی باشد. ناتوانی رژیم "در تثبیت خود و تداوم اعتدال" انقلابی، رژیم جمهوری اسلامی را و داشته تا سیر تنگ که میتواند سیر کوب انقلاب دست بزند. چه بصورت خشن و عریبان آن، همچون سرکوب در کردستان و چه بصورت لیبرال نمایی ها و گرفتن زست ضد امپریالیستی. بخود در مواقعی که لازم است." (صمیمه پیکار ۷۳ ص ۲)

پیکار برای توجیه تاکنیک چپ روانه خود تنها یک وجه از حرکت خرده بورژوازی چپ گم را برجسته مینماید و آن را مطلق میکند و به این ترتیب درست بهمان چیزی که ما را به آن منتسب میکرد (قبل از جنگ) امر روز (بعد از جنگ) به آن متوسل میشود. بوسیله این مطلق کردن است که پیکار میکوشد هیچ امکانی برای تشخیص آن خطر عمده ای که در واقع انقلاب را تهدید میکند باقی نگذارد و براحتی حکم صادر میکند که:

"جنگ ایران و عراق یک جنگ غیرمادلا و فریبکارانه است - غیرمادلا - است چون در خدمت رژیم - های ارتجاعی هر دو کشور بوده و برای کارگر - ان، دهقانان و تمام زحمتکشان ایرانی و عراقی جرم نیست، فقر، کشتار و آوارگی بسیار خواهد آورد." (صمیمه پیکار ۷۲)

در تمام نوشته های پیکار در باره جنگ خبری از این واقعیت نیست که بهرین ارتجاع حاکم ایران و ارتجاع حاکم عراق از لحاظ ماهیت طبقاتی تفاوت وجود دارد. جمهوری اسلامی، جمهوری است که خرده بورژوازی سنتی مرفه در آن غلبه داشته خرده بورژوازی که اگر قعدمان انکار واقعیت نباشد با شرکت فعال و داشتن رهبری سرنگونی رژیم شاه بر روی کار آمده و امپریالیسم آمریکا در صدد سرنگونی آنست حکومت ایران حکومتی است که پیکار ر مجبور است در مورد آن اعتراف کند:

"امپریالیسم آمریکا در حال حاضر و بدلائل متعددی که جای بحث آن در اینجا نیست و از جمله میتوان از تضاد معینی که میان او و هیئات حاکمه و بخصوص جناحهای معینی از آن وجود دارد نام برد، سیاست تحت فشار قرار دادن هیئت حاکمه ایران از طرق مختلف، چه سیاسی، چه اقتصادی و چه نظامی و تقویت و تحریک جناحهای مستقیماً وابسته آمریکا مانند اردن و...

« - اتفاقاً تمام بحث بر سر همین مسئله است یعنی درست همین تضادهای است که کار را به جنگ کشانده است و نه تضادهای میان دو رژیم "معمولی" ایران و عراق!

ازگان سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر

رزمندگان

مردوزحسارویا تشریح و ارتجاع محلی منطقه ماسدیلوجستان و حمایت از سورزوا - ری سردک محمود در ایران را در پیش گرفته است. (هماجا) تکیه ازماست. و تمام رژیم عراق با رژیم ایران آنچنان است که:

"همسویی و انطباق کسوی سیاست امپریالیسم آمریکا و رژیم عراق را در راه - طه با جنگ کسوی باعث شده است." (هماجا) اما این تفاوت برای همکاری آنچنان نا چیز است که جایی برای شرکت توده هادر نکست توطئه مشترک عراق و آمریکا و ضد انقلاب مغلوب وابسته به آنها و همسویی با یک ارتجاع بزرگ دیگر باقی نمیگذارد زیرا با یک جرخش قلم حکومت ایران دیگر سورزوا پی است!

"سورزوازی عراق و ایران و امپریا - لیستهای متجاوز میگویند تا زمینکنان مرد و کثور را "گوشت دم توپ" کرده و یکی راه اسم "دفاع از اسلام" و دیگری راه اسم "دفاع از عراق بزرگ" گول بزنند. زمینکنان ایران و عراق هر دو باید لوله تنگ خود را سوی حکومتهای خود بگیرند" (هماجا)

بیکار که همه را به تعقیب دقیق سیاستهای "قبل از جنگ" (بگفته "نهنن") احاله میدهد با انکارها دقیقتر بگوئیم با پنهان کردن ضدیت خرده سورزوازی با امپریا لیسم در قالب "تفاذهای معین با جنا - ههای معین" دلیل اصلی تلاش آمریکا در سرنگونی حکومت را نادیده میگیرد. در واقع "قبل از جنگ" را آنچنان تصویر میکند که دلش میخواهد "بعد از جنگ" منظور باشد! اپورتونیسیم همکاری ترکیب طبقاتی حکومت ایران را بحیل خود عوض میکند و سر تفاذ خرده سورزوازی حاکم با امپریالیسم که از علتهای اصلی جنگ است پرتو میکند. آری به این قیمتهاست که همکاری تا کتیک خود را بعد از جنگ ترسیم میکند. برای همکاری اکنون آن تفاذهای خرده سورزوازی حاکم با امپریالیسم که ریشه در رشد مبارزه طبقاتی در جامعه و در خط طبقاتی خود است پرتو خرده سورزوازی دارد و به جنگ کشیده شده است بشیرزی نمایان زود و جزو هستهای ضدا امپریا - لیستی لیبرالی! نبوده است. اینچنین است که همکاری رهنمود لنین در پیدا کردن ریشه های طبقاتی و سیاسی جنگ را یکبار میبرد.

"حکمی که سرمایه داران ایران و امر - ق نیاکرده و..."

(شماره پیگار ۲۳ ص ۶)

اینست تمام تحلیل مشخص پیکار از جنگ تحلیلی که بقول لنین باید با پی

"جنگ ادامه سیاست اراهمیای دیگر است. تمام جنگها از سیستم های سیاسی که آنها را بوجود میآورد جدایی ناپذیر هستند. سیاستی که یک دولت معین یک طبقه معین در آن دولت برای مدتی طولانی قبل از جنگ تعقیب میکرد با گذر توسط همان طبقه در دوران جنگ ادامه میدهد و نتوانست عمل تعصیر مییابد."

(جنگ و انقلاب نقل شده از میم - پیگار ۲۳ تکیه ازماست)

همکارانه تنها داستان قبل از جنگ را تا حد جنگ دو سورزوازی ایران و عراق ساده میکند و بر واقعیات یکسال و نیمه مبارزه طبقاتی، بلوک نامتناهی سیاسی حاکم، ضدیت خرده سورزوازی حاکم با سورزوازی لیبرال و امپریالیسم و تمام تلاشهای سورزوازی و امپریالیسم در پی گرفتن قدرت پورده مفاکتند، بلکه حتی توجه نمیکند که "جنگ ادامه سیاست است" و نه نظام اقتصادی اجتماعی! "تمام جنگها از سیستم های سیاسی که آنها را بوجود میآورد جدایی ناپذیر هستند" و به الزام نظام اقتصادی اجتماعی! این تحریف همکاری مخصوص در مورد جنگ ایران و عراق

که سیستم سیاسی عراق از تکیه به شوروی خارج شده و به آمریکا گرایش یافته است و سیستم سیاسی ایران که هنوز به ملت - کمیت غالب خرده سورزوازی مرفه سنتسی کاتلا مطابق با مقتضیات سرمایه داری وابسته به امپریالیسم نیست تحریف بزرگی است. زیرا درست این ویژگی های سیستم های سیاسی ایران و عراق هستند که به جنگ کشیده شده اند! بمعبارت دیگر اگر رژیم عراق سیاست ماداتی شدن یعنی عدول از دایره نفوذ شوروی را در پیش نمیگرفت طبیعا با ملک حسین و ملک خالد و شیخ کویت و قطر و امثالهم متحد نمیگفت. و با لنیزبان و بختیار و اوپسی را حمایت نمیکرد و خود مورد حمایت امپریا - لیسم قرار نمیگرفت! با این سیاستی نیست که در ادامه خود در بروز جنگ یکسی از نقش های اصلی را ایفا کرده داشته است؟ و آن سیاسی نیست که:

"یک دولت معین، یک طبقه معین در آن دولت برای مدتی طولانی قبل از جنگ (حدود یکسال) تعقیب میکرد" (لنن) و آنها تحول سیستم سیاسی عراق را پدید آورنده جنگ که

"تمام جنگها از سیستم های سیاسی که آنها را بوجود میآورد جدایی ناپذیر -

این خود تجربه دیگری در تکرار شکست بطنضانه "راه رشد غیر سرمایه داری

سد (لنن)

از نقشهای اصلی را نداشته است؟ تا آنجا که همکاری خود را اعتراف میکند:

"همسویی و انطباق کسوی سیاست امپریالیسم آمریکا و رژیم عراق را در راه - طه با جنگ باعث شده است"

تنها اپورتونیسیم چه رفقای همکاری میتواند آموزش لنین در مورد تعقیب سیاستهای قبل از جنگ را اینچنین از درون تهی کند. "سیستم سیاسی ایران همی - جز یک بلوک نامتناهی با همزبونی خرده سورزوازی مرفه سنتسی نبوده است اینست آنچه که همکاری قبل از جنگ به آن اعتراف داشت و امروز سنا به مطبوعات انقلابی سر خرده سورزوازی خود میگردانید. و ویژگی این سیستم سیاسی بطنضات مرفه داری وابسته و سلطه امپریالیسم بوده است. اینست آنچه همکاری با چند کلمه تحت عنوان "تفاذهای معینی که میان او (امپریالیسم آمریکا) و هیات حاکمه ایران و بخصوص جناحهای معینی از آن وجود دارد" بیان میکند. آنهم جای بحث در بیان نیست! اما چه کسی جز همکاری میتواند این ویژگی سیستم سیاسی ایران را که "جنگها از سیستم های سیاسی که آنها را بوجود میآورد جدایی ناپذیرند" از ویژگی جنگ جدا کند؟ و برای تأمین استدلال تحریف خود از تحلیل سیاسی و سیستم سیاسی در ایران به این اکتفا کند و اینرا مطلق کند که رژیم ایران "جز به امپریالیسم نظام سرمایه داری وابسته به امپریالیسم فکرو عمل نکرده" (پیگار)!

درست بخاطر وجود دو سیستم متفاوت، دو سیاست متفاوت دور رژیم ایران و عراق است که جنگ ایران و عراق جنگ میان دو ارتجاع از نظر توده ها هموزن نیست. زیرا در یک سو سورزوازی سرنگون شده ایران (بختیار و اوپسی) و امپریالیسم آمریکا این بقول پیگار "شمن اصلی" صف کشیده است و در سوی دیگر آن صف بندی ای که در طول مبارزه با رژیم شاه برقرار بود. آری این صف بندی بدرد انقلاب نمیخورد اما برای جلوگیری از بازگشت رژیم کهنه با بهترین بگوئیم آن "سیستم سیاسی کهنه مؤثر است" و همین خاطر است که از لحاظ پرنسپل

این شرایط مشخص همسویی با یک ارتجاع بر علیه دیگری مجاز و ضروری است!

گپیکار چگونه تا کتیک خود را تعیین میکند؟

اسن سها از عهده پیکار رسمی آید که برای ناکسک مورد علاقه حرس انقلابیگران و حربه سوزو آبی خود در آنارشیسم چشم بر تمام واقعات جاری در جامعه در عرض دو سال گذشته بنمیدد و ماهیت جنگ کنونی ایران و عراق را با ماهیت جنگ ایران و عراق در زمان شاه یکی بداند. در حالیکه سیمین سیاسی هر دو طرف از لحاظ مناسبات با امپریالیسم (بویژه امپریالیسم آمریکا دشمن اصلی بقول رفقای پیکار!) در جهت عکس هم عوض شده و از لحاظ طبقاتی حداقل در ایران تحول بزرگی در قدرت سیاسی (بلوک سیاسی) در اثر یک انقلاب بوقوع پیوسته! و این پیکار است که اعلام میکند: "علی رغم هرگونه منفی هم که آمریکا داشته باشد این جنگ نمیتواند در درجه اول و از لحاظ ماهیت ادامه همان سیاستها و تماد قبلی بین رژیم جمهوری اسلامی و بعث عراق نباشد سیاست و تصادی که در دوره رژیم شاه خاش وجه در دوره رژیم جمهوری اسلامی دارای تاریخچه و هویت روشنی است."

(صصمه پیکار ۷۵ شماره دوم ناکسکدار ماس)

واقعا که بجا گفته اند که چپ روی یک مرض است. و ناکسی واقعا مریض نباشد نمیتواند این چنین دست به عملیات محیر العقولی بزند. تفاد میان جمهوری اسلامی و رژیم عراق با تفاد میان رژیم شاه و رژیم عراق گویا یکسان است! و البته دلیل اصلی پیکار همینست که همه ارتجاعی اند. و برای طبع سوپرانقلابی "پیکار" همه چیزهای ارتجاعی مثل هم اند و حیث است که ذهن انقلابیونی دو آتشه چون "پیکار" صرفا ندیده در مورد اختلافات "ناچیز" آنها شود. مگر یک انقلابی فوق العاده "مارکسیست"! و با بقول خود رفقای پیکار "کمونیست واقعا پیکار" ذهن پاک خود را به این چیزهای ارتجاعی آلوده میکنند؟ واقعا که این کمونیستهای نا پیکار، این "دفاع طلبان شوونیست" چه انتظاراتی از این قهرمانان انقلابی دارند؟ پیکار سخاوتمند پیکار و روبرو برای همیشه به ما کونته فکران پاسخ میدهد:

"مرض کسیم که عراق نیز مثل عربستان سعودی یک رژیم کارگزار و آسب کارگزار امپریالیسم آمریکا باشد. حتی درجه بندی صورتی سرما همسنگ ایران و عراق نمیتواند ابدار حیات ایران غطت انقلابی و راهیسی بخش داشته باشد. چرا که هر دو رژیم ارتجاعی هستند و مادامی که جنگ صورت یک جنگ ملی و راهیسی بخش در دنیا مده است. تصور شرکت در اس جنگ بیبر حیات نه برولتاریا

و خلقهای دو کشور است. (صصمه ۲ پیکار ۷۵ نکیه از ماست)

با چنین وضعی ما دام که رژیم ایران ارتجاعی است هر جنگی چون "نمیتواند از جانب ایران غطت انقلابی و راهیسی بخش داشته باشد" حتی تصور شرکت در این جنگ نیز "غیانت به برولتاریا و خلقهای دو کشور است" چه برسد به خود عمل شرکت در آن! مگر آنکه "جنگ بصورت ملی و راهیسی بخش" در آید. که بنا بر حکم پیکار منوط به اینست که رژیم ایران ارتجاعی نباشد پس تا زمانی که رژیم ایران ارتجاعی است (زیرا ماهیت رژیم طرف دیگر جنگ اگر انقلابی باشد که دیگر جای بحث نیست!) در واقع حتی تصور شرکت در جنگ هم غیانت است!

با تشریح فوق العاده "انقلابی" فوق اگر عراق و عربستان سعودی که سهل است خود امپریالیسم آمریکا هم وارد جنگ شود انقلابیون حق تصور شرکت در جنگ را هم ندارند مگر آنکه رژیم ارتجاعی نباشد. اینچنین است که پیکار حکم جاودان خود را در مورد تاکتیک ارائه میکند. برای پیکار سوپرانقلابی تاکتیک تصور شرکت در جنگ تنها بیک چیز بستگی دارد: ماهیت رژیم حاکم ایران! و تا زمانی که این رژیم ارتجاعی است، نه تحلیل منحصرا از اوضاع مفهوم دارد و نه امکان همسویی موقت با این ارتجاع. زیرا حتی تصور شرکت در جنگ هم غیانت است و به مغز پیکار انقلابی پیکار حتی یک هزارم ثانیه هم خطور نخواهد کرد. پس اگر روزی "پیکار" با وجود حاکمیت این رژیم مجبور شود وارد جنگ (بهر دلیللی که خود میداند) بشود با ماهیت این رژیم را عوض خواهد کرد و با تشریح ها - بش بهم خواهد ریخت.

زمانی لنین گفت: "تاکتیک با بدبرها به محاسبات هشیبانه و قویا از کتف کلیه نیروهای طبقاتی یک کشور (و کشورهای مجاور آن و نیز کلیه کشورهای در مقیاس جهان) و هم چنین بر روی تجربه جنبشهای انقلابی استوار باشد."

(بنیماری کودکی "چپ روی" در کمون - نسیم) و بر اساس این محاسبات "کلیسه" نیروهای طبقاتی "در یک کشور و کشورهای مجاور در مقیاس جهان است که بخصوص میبایست تاکتیک ما در رابطه با جنگ اخیر که خود مسئله ای مربوط به کلیه نیروهای طبقاتی یک کشور و کشورهای مجاور در مقیاس جهان است تعیین شود. دیکمازی - ها بی که از مغز پیکار انقلابی بیرون میجهد با راه و ابزارها توسط جنبش مردمی مورد حمله قرار گرفته است. این دگم که تا موقعی که رژیم کشور من ارتجاعی

است من دست به جنگ نمیرم در جنگ جهان - نی دوم شکست زیر بارنا به "وضعیت" جهان بی جدید تاکتیک شکست فاشیم درد - ستور کار قرار گرفت. این دگم که "برای من تمام ارتجاعیون یکی هستند و من با آنها همسوم نمیشوم" بارها در هم شکسته شد زیرا برولتاریا با بدستواند میباید بدوید و ترسما بزرگدارده و منافع دراز مدت خود را در نظر بگیرد نه اینکه چون کوتله بهمان سوپرانقلابی تا نوک دماغ خود را بیشتر نشیند.

برای "پیکار" تا هنگامیکه رژیم ایران ارتجاعی است تصور شرکت در جنگ هم غیانت است پس نه احتیاج به "محاسبات هوشیارانه و قویا از کتف کلیه نیروهای طبقاتی یک کشور" دارد و نه کشورهای مجاور آن و نیز کلیه کشورهای در مقیاس جهان - و نه به اینکه "بر روی تجربه" جنبشهای انقلابی استوار باشد. "پیکار" با ساختن بی مانند یک "انقلابی بزرگ" حتی حاضر است تمام فرض ها را هم بسود دفاع طلبان بکند:

"در صورت چنین حالتی که شما فرس کنید. آیا ماهیت جنگ ارتجاعی است یا انقلابی؟" (پیکار)

"حال فرس کسیم که عراق نیز مثل عربستان سعودی... حتی در چنین صورتی نیز ماهیت جنگ ایران و عراق نمیتواند از جانب ایران غطت انقلابی و راهیسی بخش داشته باشد." (پیکار)

بصارت دیگر حتی در وضعیتی که ما میگوئیم (هر وضعیتی که باشد) ما دام که رژیم ایران ارتجاعی است؛ جنگ "انقلابی" نیست پس "ارتجاعی" است. جنبش نمیتواند "غطت انقلابی و راهیسی بخش" داشته باشد پس ارتجاعی است و پس علیهذا "پیکار" برای اثبات تاکتیک دگماتیک خود نه تنها به محاسبات هوشیارانه داخلی و خارجی و تجربه جنبشهای انقلابی کاری ندارد بلکه حاضر است در جهت نفی واقعات و این تجربیات هم حرکت کند و نشان دهد که تنها در صورتی که جنگ ملی شود و با وضعیت انقلابی درجا - معه باشد انقلابیون میتوانند در این جنگ شرکت کنند! و البته چون این حالت هنوز اتفاق نیافتاده طبیعا تاکتیک همان است که پیکار میگوید:

"پیکار" این نکته را نیز بر کسی ماستمالی میکند که آیا اگر وضعیت انقلابی درجا معهود (مثال شرکت طبقاتی در یک کشور و کشورهای مجاور) و با اصطلاح پیکار جنگ "ملی" میشد کسیم منظور اینست که عراق مناطقی از این را اشغال میکند (کویسی تکزده است!) آنها

ازگان سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر

رزمندگان

حسی در اسب صورت هم دکم بیگانه، بیکنار
هنگامیکه سکا ربا لاجره فرمان ترکوت در جنگ
را ما در مگرد، نمیگفت یعنی رژیم مرتجع
اسران دلسلی بر عدم ترکوت در جنگ و بر علیه
اسفانکرا و دفاع از انقلاب میگفت؟
بیگانه از اسب نکه غافل نسبت و لسی
آراما شمالی میکند، بیگانه میگوید:

"السنه در تاریخ اسران فصل حوادث
ساروج داده و میدهد که رژیم ساسوان
ارنست انقلاب بوده ما مورد هجوم امیر-
بالسم خارجی و یا حاحای دیگر اطمینان
حاکمه فرار کرده و عری اسران ساطع کردن آن
رژیم ضعف و ایجاد یک رژیم ملط تراست.
در اس صورت واضح است که کمونیستها متوا
سد و طبقه دارند (مسئیم که محیی ارما-
هبت رژیم نیست) که با توجه به سطح حسی
بوده ای که در شرایط "موقعیت انقلابی"
است دست به سلاح برده و علیه آن سحار و روبا
آن کودتا کننده دست به قیام سرسودلی اس
تمام مفهوم دیگری ندارد حرکتی برای
کس قدرت سیاسی و نه شمشیر زدن در خدمت
رژیم حاکمه" (صممه ۲۰، بیگانه ۲۵، نکه دو طلی
از مات و حملات داخل پراسترا مات)

پس اگر موقعیت انقلابی در جامعه
مانیت و سطح جنبش بوده ای بر علیه
حکومت (چون معنایی غیر از این در موقعیت
انقلابی نمیدهد) نازل است ما نمیتوانیم
بر علیه آن "متجا و زوان کودتا کننده" دست
به سلاح ببریم والا این شمشیر زدن در خدمت
رژیم حاکم خواهد بود و نه کوششی برای کسب
قدرت سیاسی! میبینیم که دکم بیگانه که
خطت جنگ را صرفاً بنا بر ما هبت طرفین
آن تعیین میکند در هم شکسته اما بدلیلی که
در جامعه ما صادق نیست! اینست ما شمالی
"بیگانه" که بر تئیسب اختراعی خود را هم زیر
پا میگذارد و جالب تر اینکه برای "بیگانه"
"چپ اندیش" تصور اینکه بتوان در نسبت
وضعیت انقلابی وارد جنگ شد تنها یک معنا
میدهد "شمشیر زدن در خدمت رژیم حاکم"!

با کسب قدرت سیاسی و شمشیر زدن در خدمت
رژیم حاکم اینست دوراهی تاریخی اپورتو-
نیم چپ که تا میتواند اولی و او وقتی سرش
بسنگ خورده و می را اجباراً و داوطلبانه اختیار
میکند و اینست خدمتی که سوپرا انقلابی بودن
به روبرو نیست بودن میکند! آیا همه چیزها
هیج!

"بیگانه" را باید بتواند "لولسه"
تفنگ را بسمت حکومت خودی "برگرداند و با
در خدمت آن "شمشیر" بزند! اینست منطق تا-
ریخی آن انقلابیون بلند پروازی که چشم
به آسمانها دوخته اند اما چاله زیر پسا ی
خود زانی بینند.
برای "بیگانه" تصور اینکه موقتاً لبه
نیز حمله خود را بر علیه حاکمیت بردارد و آن

را مسوخته حطری سمرات برر کسر ما سیدو
استکارا بدون آنکذا از استقلال سیاسی
خود و از انجام افنگری های بلا نقطاع کسه
ایک خاطر رفع تپیه بوده ها از این همسو-
سی صورت میگرد، انجام دهد، سب-
مشکل است، زیرا بیگانه برای قدرت سیا-
سی و برای رژیم حاکم شمشیر خواهد زد.
و چون نمیخواهد شمشیر رژیم حاکم باشد
مبلغ عجول کسب قدرت سیاسی است:

"زحمتکنان اسران و عراق هر دو باید
لوله تفنگ را سوی حکومتیای خود بگیرند"
(صممه بیگانه ۲۳ ص ۴)

ما شمالی "بیگانه" را دیدگر بر اثر
بگ وضعیت شخصی دیگر احتساب نا پذیر
میکرد و آنهم "اگر یک اشغال معنای کامل
کلمه صورت گیرد" که مفهوم آنرا تنها
مکشفین بیگانه میفهمد که چیست! آیا
مناطو اشغالی عراق و امروز معنای کامل
کلمه اشغال نشده؟! در همان روز اول جنگ
گسترده بیگانه نوشت:

"سرمای که برسد زمان میدهد که
در بی اشغال بعضی ارضای مرتجع
اریوی برای در تعمی ارضای عرب
سراسران برجم میزان بالا رفته است"
(صممه بیگانه ۲۳ - ۲۰ صبر)

و در روز بعد که مناطق اشغالی عراق
وسعت بسیار بیشتری گرفته میشود:
"اگر یک اشغال مفهوم کامل کلمه
صورت گیرد (چیزی که سطرنا امکان
ندارد) یعنی رژیم عراق پس از آن
در طی مذاکرات با در اثر ضعف رژیم جمهوری
اسلامی منطقه ای را اشغال کرده و غنود
در آنجا اعمال حاکمیت کند و توده ها
در آنجا جنگند، ما به زمان مدهی این
مبارزه و ارتقاء سطح آن خواهیم پرداخت.
چرا که در آن حالت، جنگ ارتجایی در تداوم
خود شرایط جدیدی را پدید آورده و جنگ جد-
یدی را برانگیخته است، جنگ ملی علیه
دولت اشغالگر! این چیزی است که معمولاً
فرا موش میشود و سرشت این دو جنگ ما هبتاً
متفاوت با یکدیگر مغلوط شده و طبعاً نتایج
انحرافی از آن گرفته میشود"

(همانجا ص ۲ تکیه دو خطی از بیگانه)
آیا حتی در این صورت هم دکم بیگانه
نیشکته؟ یعنی آنکه رژیم حاکم مرتجع
مانعی از شرکت در جنگ نیست! اینست
ما شمالی بیگانه در پیش کشیدن شرایطی که
بمنظرش "امکان ندارد" برای اثبات تسل-
کتیکی که بر یک دکم متکی است:
"این عملت را (عملت جنگ) نباید
از عملت طبقاتی دور رژیم نوضیح داد"

(صممه ۲۳)
که البته خطت طبقاتی رژیم ایران
به مدد اپورتونیم بیگانه را گمان بکسره

سورروایی و مطلقاً ارجاعی است (سودین)
سوحه ضعیف خرده سورزوری حاکم سا
امیرالیم (و با ما است حک ارجاعی
است:

"جراکه بر دور رژیم ارجاعی غنست
(صممه ۲۵)

اینست اپورتونیم "بیگانه" که
استاد دگمی را پیش میکند و همه را بسا د
نازما میگرد که چرا از این دکم سر بیچی
کرده اند پس بنا چاره بررسی شرا بسط
متخی که این دکم در هم شکسته میشود (بدو
ن اعتراف به این در هم شکستگی امیرد-
از دو چون آنرا کاملاً سید و غیر ممکن
میدانند پس بر میگردند به همان تاکتیک
که از همان دکم بیرون آمده!

اما بر سی مغلطه: بیگانه
در مورد جنگ ملی بسیار جالب است. بیگانه
اعتراف میکند که در صورتی که "اشغال
بمفهوم کامل کلمه صورت گیرد" یعنی
بعد از آن پس و مذاکره و امثالهم و اگر
توده ها در آنجا جنگند آنگاه بیگانه بس
جنگ را دیگر ارتجایی نمیداند، دیگر جنگ
انقلابی و ملی یا هر خطت دیگری دارد و ...

سؤال بسیار ساده از رفقای بیگانه
اینست که چرا اولاً مناطق اشغالی عراق
امروز "بمفهوم کامل کلمه" متا شق
اشغالی نیست؟ مگر عراق در آنجا
اعمال حاکمیت نمیکند، و وظیفه ما در قبال
توده ها در این مناطق چیست؟ آنها را تر-
غیب به جنگ بکنیم یا نه؟ و یا تا بیی از خو
است و میل آنها بشویم؟ اگر ... توده ها در
آنجا جنگند؟

ثانیاً: چرا اشغال بمفهوم کامل
کلمه تنها بعد از آن سر مودا کرده و ضعف
جمهوری اسلامی معنا پیدا میکند؟ و آیا
ماننا بدستی کنیم که این اشغال "بمفهوم
کامل کلمه" موجود نیا بد؟

و ثالثاً: آیا در این صورت بیگانه تنها
در مناطق اشغالی خواهد جنگید و در مناطق
تحت حاکمیت رژیم مرتجع ایران که او هم
دست به جنگ با عراق میزند چه خواهد کرد آیا
با این رژیم مرتجع همسو شده است؟ و آیا
نگاه اگر برای دفاع از توده ها و هر چه
دیگر مستقلاً مبارزه ای را بر علیه اشغالگر-
ان ترتیب دهد با همان استدلالی که امروز
بر علیه ما بکار میبرد مواج نخواهد بود؟!

رفقای بیگانه این بار نیز نشان
دادند که آنچه که بدان هیچگاه توجه ندارند
تحلیل مشخص از شرایط مشخص است چیزی
که لنین آن را روح و اساس مارکسیسم مینا
مد جنگ اغیر و بر خورد رفقای بیگانه
بکار دیگر این حقیقت را اثبات مینما بد که
کلیات دارای شفا بخش نیستند. در این
بار باز هم بیشتر سخن خواهیم گفت. ■